امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلا ت عالی

پوهنتون بلخ

پوهنځی شرعیات

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی

پایان نامه دوره لیسانس

موضوع:

بررسی جایگاه علم در قرآن‌کریم

محقق: علاوالدین سعیدی

استاد رهنما: پوهنیار محمد عوض حیدری

سال تحصیلی: ۱٤۰۵ ه ش

بسم الله الرحمن الرحیم

خلاصه

علم یکی از پدیده‌هایی اســت که بشـر در طول تاریخ به آن اهمیت قائل شـده اسـت. بشر تلاش داشته تا محیط پیرامون خود را بشناسد و از آن استفاده اعظمی نماید. قرآن‌کریم هم به این حقیقت توجه جدی داشـته و علم را به‌صـورت کلی معرفی کرده و حکم طلب آن‌را هم بیان کرده است و فراگیری علم را یکی از فریضه های دینی هر مسلمان می داند. و همچنان برای دست‌یابی به آن یک سلسله مراتب را تعیین کرده است. و از لابلای آیات قرآن در عرصـه‌های مختلف روش بیان قرآن و روش عرضـه‌کردن مطالب آن نیز دانسـته می‌شــود. و قرآن برای علم ابزارها و وســایل را نیز معرفی کرده اســت. علم از نظر قرآن جایگاه والای داشته؛ و سبب رشد و تکامل فردی و اجتماعی انسان می‌گردد. و میان علم و هدایت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در قرآن جهل را شـدیدا نکوهیده شـده اسـت. و هم‌چنان در قرآن به برخی از علوم طبیعی و جدید هم اشـاراتی شـده اسـت. این تحقیق از آنجا حائز اهمیت است که برخی از مسلمانان هنوز به جایگاه علم از نظر قرآن اطلاع کافی ندارند و یا در اثر سهل‌انگاری، علم نمی آموزند که در نتیجه سبب عقب ماندگی، در تمام بخش های زندگی‌شـان شـده اند. هدف این تحقیق، بررسـی جایگاه علم در قرآن و اثبات اهمیت فراگیری علم برای مردان و زنان مسلمان و فهم درست آیات علمی قرآن است. این تحقیق بـا روش توصـــیفی–تحلیلی و روش گردآوری مطـالـب، مطـالعـات کتـابخـانـه‌ای می‌باشــد. و با مراجعه به آیات قرآن، تفاسـیر و مقالات علمی مرتبط، جایگاه علم و وظیفه دینی انسـان‌ها در کسـب دانش بررسـی شـده اسـت. نتایج تحقیق می‌تواند جایگاه علم در قرآن‌کریم را تبیین کند.

کلمات کلیدی: ابزارکسب، اقسام علم، حقایق علمی، علم جدید، قرآن‌کریم، نظام معرفتی، نقش علم.

فهرست عناوین

عنوان **صفحات**

فصل اول
کلیات تحقیق

مقدمه ۱
بیان مسئله ۲
اهمیت و ضرورت تحقیق ۳
اهداف تحقیق ۴
هدف اصلی ۴
اهداف فرعی ۴
سوالات تحقیق ۴
سوال اصلی ۴
سوالات فرعی ۴
فرضیه های تحقیق ۵
فرضیه اصلی ۵
فرضیه‌های فرعی ۵
روش و مواد تحقیق ۵

فصل دوم
پیشینه تحقیق و مفاهیم نظری

بخش اول: پیشینه تحقیق ۷
بخش دوم: مفاهیم نظری ۸
مبحث اول: مفهوم‌شناسی ۸

گفتار اول: معنای علم ۸
گفتار دوم: معنای قرآن‌کریم ۹
مطلب اول: واژه قرآن ۹
مطلب دوم واژه کریم: ۱۰
مطلب سوم معنای ترکیبی قرآن‌کریم: ۱۰
گفتار سوم: اقسام علم ۱۰
گفتار چهارم: مراتب وصول علم به نفس ۱۱
گفتار پنجم: علم و معرفت ۱۳
گفتار ششم: تفاوت علم خداوندمتعال با علم بشر ۱۳
گفتار هفتم: حکم طلب علم ۱۴
مبحث دوم: روش قرآن‌کریم در رسیدن به حقایق علمی و پیشکش نمودن آن ۱۶
گفتار اول: روش‌های قرآن‌کریم در رسیدن به حقایق علمی ۱۶
گفتار دوم: روش‌های پیشکش نمودن حقایق علمی ۱۸
مبحث سوم: ابزارهای کسب علم در قرآن‌کریم ۲۰
گفتار اول: ابزارهای درونی کسب علم ۲۱
گفتار دوم: ابزارهای بیرونی کسب علم ۲۳
گفتار سوم: ابزارهای تجربی ۲۴
گفتار چهارم: ابزارها یا منابع الهام بخش ۲۶

فصل سوم

روش و مواد تحقیق

۱. نوع روش تحقیق (تبیین رویکرد استدلالی) ۲۷
۲. روش جمع‌آوری اطلاعات (تفکیک منابع و ابزارها) ۲۸
۳. روش تحلیل و تجزیه اطلاعات (طرزدید محقق)... ۲۸

۴. نحوه تطبیقی (ارتباط میان سنت وحیانی و علوم جدید) ۲۹
۵. اخلاق تحقیق و امانت‌داری ۲۹

فصل چهارم

یافته‌های تحقیق

مبحث اول: جایگاه علم در نظام معرفتی قرآن‌کریم ۳۱
گفتار اول: علم، فقه و حکمت در قرآن ۳۱
معانی هریک ۳۱
موارد کاربرد هر یک ۳۲
۱. کاربرد علم در قرآن‌کریم: ۳۲
۲. کاربرد حکمت در قرآن‌کریم:.. ۳۳
۳. کاربرد لفظ فقه: ۳۴
گفتار دوم: نقش علم در رشد انسان ۳۵
گفتار سوم: علم و هدایت الهی... ۳۶
گفتار چهارم: علم و جهل در قرآن‌کریم ۳۷
مظاهر جهل ۳۷
مبحث دوم: علم جدید در قرآن‌کریم ۳۸
گفتار اول: تعریف علم جدید ۳۸
گفتار دوم: ارتباط قرآن‌کریم با پیشرفت علمی ۳۸
گفتار سوم: تفسیرهای متفاوت آیات علمی قرآن‌کریم: ۴۰
نقد تفسیرهای نادرست آیات علمی قرآن‌کریم:... ۴۰
تفسیر درست آیات علمی قرآن‌کریم:.. ۴۲
گفتار چهارم: آیات و نشانه‌های علمی قرآن‌کریم... ۴۳
مطلب اول: جنین‌شناسی در قرآن ۴۳

مطلب دوم: دواشناسی در قرآن کریم ۴۸
مطلب سوم: اثر انگشت ۴۹
مطلب چهارم: آغاز آفرینش..۵۰
مطلب پنجم: ماده اصلی آفرینش...۵۱
مطلب ششم: اثبات کروی یا مسطح بودن زمین ۵۳

فصل پنجم

نتایج، مناقشه، نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج ۵۵
مناقشه ۵۹
نتیجه گیری ۶۲
پیشنهادات ۶۳
منابع و مآخذ: ۶۵

فصل اول

کلیات تحقیق

مقدمه

الحمدلله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سید الانبیاء و المرسلین محمد و آله و صحبه اجمعین. امابعد!

علم از جمله ارزش‌های بنیادینی است که سبب رشد و تکامل فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انسان می‌شود و نقش کلیدی در پیشرفت بشر دارد. انسان از گذشته‌های دور در پی شناخت محیط پیرامون خود بوده؛ تا بتواند اهداف والای خود را-آبادانی زمین و ایفای نقش خلیفه‌ی خدا در روی زمین -تحقق بخشد. قرآن کریم توجه ویژه‌ای به فراگیری علم دارد و آن را یکی از واجبات دینی می‌داند. در آیاتی از قرآن، انسان به تفکر، تعقل و تحقیق در جهان هستی فراخوانده شده است. همچنین ابزارهایی برای کسب علم معرفی شده‌اند تا انسان بتواند به دانش دست یابد. در نظام معرفتی قرآن، علم جایگاه منحصر به فرد خود را دارد و فراگیری آن برای رشد فردی و اجتماعی ضروری است.

با توجه به اینکه علم در قرآن از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار است، با آنهم برخی از مسلمانان از این مطلب اطلاع کافی ندارند و یا نسبت به این موضوع بی توجه هستند که در

نتیجه زمینه عقب ماندگی مسـلمانان را مسـاعد سـاخته اند. تحقیق در این زمینه می‌تواند مسـلمانان را به فراگیری دانش ترغیب کرده و اهمیت تحصـیل علم را تبیین کند. این تحقیق در صدد آن است تا جایگاه علم از نظر قرآن را بررسی نماید. سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که علم از نظر قرآن چه جایگاهی دارد؟ با توجه به اهمیت این موضوع آثاری که در این زمینه نوشته شده معمولا پراکنده و یا در ضمن تفسیر آیات مربوط به علم و یا به صورت تک بعدی و یا تأویل نادرست قرآن جهت تطبیق آن با علم جدید بوده است. موضوع این تحقیق(جایگاه علم در قرآن) است. در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از منابع معتبر اسلامی، قرآن کریم، تفاسیر قرآن، مقالات و مجلات درباره جایگاه علم در قرآن تحلیل و تبیین صـورت گیرد و آیات علمی قرآن‌کریم با دست‌آوردهای علم جدید تطبیق گردد.

بیان مسئله

علم و دانش همواره یکی از محورهای اساسی در رشد و تکامل انسان‌ها و جوامع بشری بوده است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و منبع ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، اهمیت خاصی برای علم و دانش قائل شده است. در آیات متعدد، خداوند انسان‌ها را به اندیشیدن، تفکر در آفرینش، پرسش و کسب معرفت فرا می‌خواند. این موضوع نشان می‌دهد که علم نه تنها یک ابزار عملی برای زندگی فردی و اجتماعی است، بلکه یک وظیفه دینی و راهی برای تقرب به خداوند متعال نیز محسوب می‌شود. با این حال، در جامعه معاصر، درک عمیق جایگاه علم در قرآن نیازمند تحقیق و بررسی است. بسیاری از افراد علم را صرفاً به جنبه‌های مادی و ظاهری محدود می‌کنند و نقش معنوی و تربیتی آن را در قرآن نادیده می‌گیرند. لذا بررسی دقیق آیات و تفاسیر آن می‌تواند به روشن شدن ابعاد مختلف آن و ارتباط علم و دین کمک کند.

و از سوی دیگر افرادی به دلیل گرایش به مادی‌گرایی قرآن را کتابی سنتی و قدیمی دانسته؛ و باورمند به این هستند که قرآن تنها در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم و

اصحاب شان رضی الله عنهم مورد استفاده قرار می گرفته است و استفاده از آن را در عصر حاضر عقبگردی تلقی می کنند. بنابراین مسئله اصلی دراین تحقیق این است که علم از نظر قرآن چه جایگاهی دارد؟ عدم دسترسی کافی به آثاری چاپی و نبود تحقیق کلی و همه‌جانبه در این زمینه خلاءهای موجود در این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق از چند بعد قابل بررسی است:

بعد دینی و معنوی: شناخت جایگاه علم در قرآن به انسان کمک می کند تا بین علم و ایمان پیوند عمیق برقرار کند و علم را صرفاً وسایل دنیوی نداند.

بعد تربیتی: بررسی ارشادات قرآنی در مورد علم، راهنمایی برای تعلیم و تربیه نسل‌های آینده و ترویج تفکر انتقادی و تحقیقی ارائه می‌دهد.

بعد اجتماعی و فرهنگی: فهم درست جایگاه علم در قرآن می‌تواند به شکل گیری جامعه‌ای علم محور و اخلاق‌مدار کمک کند.

بعد تحقیقی: این تحقیق می‌تواند خلأهای موجود در ادبیات دینی و قرآنی درباره نقش و اهمیت علم را شناسایی و پاسخگو باشد.

ضرورت پرداختن به این موضوع به دلایل زیر روشن می‌شود:

در جامعه امروز، بسیاری از مسائل علمی و اخلاقی به هم مرتبط شده‌اند و قرآن می‌تواند رهنمودهایی برای حل این مسائل ارائه دهد.

توسعه علمی بدون پایه‌های اخلاقی و معنوی ممکن است به مشکلات فردی و اجتماعی منجر شود؛ بررسی قرآن در این زمینه می‌تواند مسیر متعادل‌تری ارائه دهد.

ترویج فرهنگ تحقیق و تفکر در میان مسلمانان، مستلزم بازشناسی جایگاه علم در قرآن است تا انگیزه‌ای برای یادگیری و تحقیق دینی و دنیوی ایجاد شود.

دلایل انتخاب این موضوع این است که بسیاری از افراد علم را صرفا به جنبه‌های مادی و تکنیکی محدود می کنند و نقش معنوی و تربیتی آن را در قرآن نادیده می گیرند. و از

سوی دیگر افرادی به دلیل گرایش به مادی‌گرایی قرآن را کتابی سنتی و قدیمی دانسته که تنها در عصر پیامبر و اصحاب مورد استفاده قرار می گرفته است و استفاده از آن را در عصر حاضر عقبگردی تلقی می‌کنند. لذا بررسی دقیق آیات مرتبط با علم می‌تواند به روشن شدن ابعاد مختلف آن و ارتباط علم و دین کمک کند و توانایی پاسخگویی قرآن به نیازمندیهای کنونی بشر را کشف کند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

تحلیل و بررسی جایگاه علم در قرآن.

اهداف فرعی

۱. شناسایی ابزار و وسایل کسب علم از نظر قرآن کریم.

۲. شناسایی جایگاه علم در نظام معرفتی قرآن کریم.

۳. تبیین نقش علم در رشد انسان از نظر قرآن‌کریم.

۴. تبیین علم جدید در روشنایی قرآن‌کریم.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

علم از نظر قرآن چه جایگاهی دارد؟

سوالات فرعی

۱. ابزارهای کسب علم از نظر قرآن‌کریم کدام ها اند؟

۲. علم در نظام معرفتی قرآن از چه جایگاهی برخوردار است؟

۳. از نظر قرآن علم در رشد انسان چه نقشی را ایفا می‌کند

۴. آیا در قرآن‌کریم از علم جدید بیان شده است؟

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می رسد علم در قرآن از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار است.

فرضیه‌های فرعی

۱. احتمالا قرآن برای کسب علم ابزارهای را معرفی کرده است.

۲. امکان دارد علم در نظام معرفتی قرآن جایگاهی ویژه‌ای را به خود اختصاص داده باشد.

۳. علم در رشد انسان نقشی برجسته‌ی را ایفا می‌کند.

۴. به نظر می رسد در قرآن‌کریم از علم جدید نیز بیان شده است.

روش و مواد تحقیق

با توجه به موضوع مورد تحقیق روش تحقیق فوق توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات براساس منابع و مآخذ کتابخانه‌ای می باشد.

فصل دوم

پیشینه تحقیق و مفاهیم نظری

بخش اول: پیشینه تحقیق

موضـوع "جایگاه علم در قرآن" یکی از مباحث مهم در بخش قرآن موضـوعی اسـت، که توجه محققان و نویسندگان را به خود جلب کرده است. آثاری که دراین زمینه به رشته تحریر درآمده به دو گونه است: یکی تفاسیر قرآن به صورت کلی که می توان از مجموع آیات و تفاســیر آن دراین باره به یک نتیجه‌گیری کلی دســت یافت از آثاری که می‌توان دراین بخش نام برد.

- القرطبی، احمد. (۱۳۸۴ه، ق). الجامع لأحکام القرآن. تحقیق: احمد بردونی و ابراهیم اطفیش. ط الثانیه. القاهره: دارالکتب المصریه. امام قرطبی با تکیه بر آیات نخستین سوره علق امر به خواندن را شــروعی برای اطلاع‌رسـانی به انسـان درباره منشـأ علم (خداوند) می‌داند
- ابن‌عاشـور، محمدالطاهر. (۱۴۰۴ه). التحریر و التنویر. ط الاولی. تونس: الدار التونسـیه. او می گوید: «معانی قرآن نباید محصــور در اقوال پیشـــینیان باشـــد و باید با ابزارهای مانند تدبر، تعلیم، تحقیق و مطالعه دقیق، معانی جدید و اســتفاده آن برای همه زمان‌ها و

مکان‌ها اســتخراج شــود.» و دیگری تحقیقاتی خاص دراین موضــوع اســت آثاری‌که می‌توان دراین زمینه نام برد قرار ذیل اند:

- القرضــاوی، یوســف. (۱۴۱۶ ه،ق). العقل و العلم فی القرآن الکریم.ط الاولی. القاهره: مکتبه وهبه. دکتر قرضــاوی دراین کتاب جایگاه عقل و علم در قرآن را تحت بررســی قرار داده است.
- بلیل، عبدالکریم. (۱۴۳۱ه). العلم فی القرآن الکریم. چ اول. واشــنطن: المعهد العالمی للفکر الاسلامی. دکتر عبدالکریم دراین اثر به تعاریف، اقسام ومراتب علم پرداخته است.

با وجود این آثار ارزشمند بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات انجام شده به صورت پراکنده در ضمن تفسیر آیات مربوط به علم صورت گرفته، و یا تنها علم به صورت خاص کمترتحت بررسی قرار گرفته، و یا اینکه تحقیقات در مورد علم از نظر قرآن به صورت جامع و تحلیلی انجام نشده است.

بنابراین تحقیق حاضر تلاش دارد تا موضوع جایگاه علم در قرآن را به صورت تحلیلی و جامع مورد بررسی قرار داده و تا حدامکان خلأهای موجود در این زمینه را برطرف کند.

بخش دوم: مفاهیم نظری

مبحث اول: مفهوم‌شناسی

گفتار اول: معنای علم

علم در لغت: به معنای آگاهی، نشانه، شعور و نشانی کردن به داغ را گویند.[1]

علم در اصطلاح: اعتقاد قطعی یی که مطابق واقعیت باشد. و یا علم در اصطلاح حاصل شدن صورت چیزی در عقل. [2]

[1] . محمد، ابن‌المنظور. (۱۳۷۵ه). لسان العرب. ج ۱۲.اول. بیروت: دارصادر. صص ۴۱۶– ۴۲۰

[2] . علی، الجرجانی. (۱۴۰۳ه،ق). التعریفات. اول. بیروت: دارالکتب العلمیه. ص ۱۴۵

مفهوم علم از نظر قرآن: خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره نجم ارشاد می‌فرماید: (و ما لهم به من علم ان یتبعون الا الظن و ان الظن لایغنی من الحق شیئا) {نجم، ۲۸}ترجمه: «درحالیکه آنان به آن هیچ علمی ندارند جز از گمان پیروی نمی‌کنند. و به یقین گمان انسان را از (شناخت) حق بی‌نیاز نمی‌کند.» این آیه بدون نیاز به لغت‌نامه و تفاسیر پیچیده، مفهوم علم را از طریق تضاد آن با گمان روشن می‌کند:

علم یعنی حقیقت (الحق): قرآن علم را نقطه مقابل «ظن» (حدس و گمان) می‌داند.

تعریف علم از نظر این آیه علم یعنی« معرفت قطعی، یقینی و مطابق با واقعیت که پرده از حقیقت(حق) بر می‌دارد»؛ درحالیکه گمان هیچ ارزشی برای رسیدن به حقیقت ندارد. پس علم از نظر قرآن، شامل تمام معارفی است که حقایق اشیاء را آشکار ساخته؛ و پرده جهل و شک را از عقل انسان بزداید. موضوع آن را هستی و طبیعت، انسان و وجود و غیب تشکیل می دهد. [1] بنابراین علم؛ آگاهی، اعتقاد قطعی، حصول صورت چیزی در عقل و معرفت حقیقت شی را گفته می‌شود.

گفتار دوم: معنای قرآن کریم

مطلب اول: واژه قرآن

قرآن در لغت: اسم علم مرتجل(بدون اشتقاق) و بدون همزه است که برای کلام خدا وضع شده؛ یا مشتق از «قرن» (جمع کردن) است. در دیدگاه اصح، مصدر همزه‌دار از « قرأ» به‌معنای قرائت و تلاوت(اسم مفعول: مقروء) است.[2]

قرآن در اصطلاح: (کلام معجز الهی، نازل شده بر پیامبر، مکتوب در مصاحف، منقول به تواتر و متعبد به تلاوت).[3]

---

[1] . یوسف، القرضاوی. (۱۴۱۶ ه،ق). العقل و العلم فی القرآن الکریم. اول. القاهره: مکتبه وهبه. ص ۱۴۹

[2] . عبدالرحمان، السیوطی. (۱۴۴۷ ه، ق) الاتقان فی علوم القرآن. مدینه المنوره: مجمع الملک فهد. صص ۱۸۱-۱۸۳

[3] . مناع، القطان. (۱۴۲۱ه، ق) مباحث فی علوم القرآن. القاهره: مکتبه وهبه. ص ۲۱

مطلب دوم واژه کریم:

کریم در لغت: از کرم (شرافت و بخشندگی) گرفته شده است. وصف قرآن به کریم از نظر لغوی یعنی کتابی که ذاتا شـریف، ارجمند، نفوذناپذیر در برابر باطل و دارای عطای فراوان است.[۱]

مطلب سوم معنای ترکیبی قرآن‌کریم:

وصف کریم {و انه لقرآن کریم} یک عنوان توقیفی و شرعی برای کلیت این کتاب اسـت. این ترکیب به مجموعه وحی مکتوب میان دو جلد مصـحف اطلاق می‌شـود که از هرگونه دسـتبرد، تحریف، عیب و نقص پاک اسـت و منبع اصـلی احکام تشـریعی اسـلام به‌شمار می‌رود.[۲]

گفتار سوم: اقسام علم

علمای اصول علم را به دوگونه دسته بندی کرده اند:

علم قدیم: و آن علمی است که مخصوص خداوند متعال است.

علم حادث: و آن مخصوص مخلوق است. و علم حادث نیز به دو گونه است:

علم ضروری و آن علمی است که برای درک آن نیاز به نظر و استدلال نیست. یعنی برای درک آن نیاز به ذکاوت و شناختن قواعد علوم نیست. مثل علمی که توسط یکی از حواس پنجگانه و تواتر به دست می آید.

علم کسـبی و آن علمی اسـت که بر نظر و اسـتدلال موقوف اسـت. یعنی: نیاز به به کارانداختن ذهن بوده؛ و آموخته می شـود. و این نوعی از علم ازاین حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اقتباس شده است" انما العلم بالتعلم" علم تنها توسط آموختن به دست

---

[۱] . اسماعیل، بن‌کثیر. (۱۴۱۹ه، ق). تفسیر القرانالعظیم. ج۱. بیروت: دارطیبه. ص۶۲

[۲] . محمد عبدالعظیم، الزرقانی. (۱۴۱۶ه ، ق). مناهل العرفان فی علوم القرآن. ج۱. بیروت: درالکتب العربی. ص۱۹.

می آید؛[1] درحالیکه علم ضروری آن است که برای همه ی مردم در حالات عادی شان به دست می آید و شرایع آسمانی براین صورتی از علم نازل شده است. پیامبران الهی تمام طبقات مردم را با تمام اختلاف جایگاه های شان - فکری، اقتصادی و سیاسی- مخاطب قرار داده اند.

علم از جهتی دیگر نیز دو نوع است نظری و عملی:

علم نظری آن است که با دانستنش کامل می گردد؛ یعنی برای فهم آن نیاز به انجام دادن آن نیست. مثل علم به موجودات عالم

عملی آن است که دانستن آن وابسته به انجام دادن آن است. مانند علم به عبادات.که بدون انجام دادن آن تکمیل نمی گردد.

و نظری را اکتسابی نیز گفته می شود و آن بر دو گونه است: عقلی و سمعی

عقلی آن است که توسط عقل حاصل می شود. مثل علم به حدوث عالم، ثبوت صانع، وحدانیت و قدم خداوند متعال.

سمعی آن است که تنها توسط عقل دانسته نشده؛ بلکه به واسطه وحی و نبوت دانسته می شود. مثل علم حلال و حرام و سایر احکام شرع.

گفتار چهارم: مراتب وصول علم به نفس

علما برای رسیدن علم به نفس یک سلسله مراتب را تشخیص کرده‌اند که در ذیل هر کدام را ذکر می کنیم:

- شعور: اولین مرتبه‌ی وصول علم به نفس، شعور است و آن ادراک بدون تثبیت است؛ گویا که ادراک دراین مرحله متزلزل بوده؛ و ثابت نیست. و درک آن توسط حواس می شود.

---

[1] . سلیمان، الطبرانی.(۱۴۱۵ه). المعجم الاوسط.ج۴. القاهره: دارالحرمین.ص۲۳۶، احمد الخطیب، البغدادی.(۱۴۲۲ه). تاریخ البغداد. ج۹. القاهره: المکتبه الخانجی. ص۱۲۷. و محمد بن اسماعیل البخاری.(۱۴۲۱ه). صحیح البخاری. ج۱. بیروت: دار طوق النجاه.ص۲۴.

- ادراک: و آن حقیقت شی را در قوه‌ی مدرکه تمثیل می‌کند.
- حفظ: و آن استحکام معقول در عقل است.
- تذکر: تذکر، جستجوی بازگشت معلومات ازبین رفته، توسط نفس.
- ذکر: و آن برگشت صورت‌های مطلوب به ذهن.
- فهم: اغلبا به کلمه‌ی مخاطب شما بستگی دارد.
- فقه: فهمیدن غرض متکلم (شخص گوینده) از خطابش.
- درایه: معرفتی که بعد از ترتیب سلسله مقدماتی به‌دست می‌آید
- یقین: آن چیزی است که علم به چیزی پیدا شود و غیر آن در خیال نگنجد.
- ذهن: قوه‌ی استعداد نفس؛ برای کسب علوم حاصل ناشده.
- فکر: انتقال از مبادی به مطالب و رجوع از مطالب به مبادی.
- حدس: چیزی که توسط آن، عملکرد فکر را تفکیک کرده شود.
- ذکاء: قوه حدس.
- فطنه: آگاهی از چیزی مورد شناخت.
- کیِّس: استنباط چیزی نافع تر.
- رأی: عمل یادآوری مقدمات و تأمل درآنها.
- تبیُّن: علمی که بعد از التباس(اشتباه) حاصل می‌شود.
- استبصار: علمی که بعد از تأمل حاصل می‌شود.
- احاطه: علم به چیزی از تمام جهات آن.
- ظن: درک یکی از دوطرف شک همراه با ترجیح وقوت بیشتر.
- عقل: جوهری است که توسط آن غائبات با وسائط و محسوسات با مشاهده درک می‌شود.[1]

---

[1] . بلیل، عبدالکریم. (۱۴۳۱ه). العلم فی القرآن الکریم. اول. واشنطن: المعهد العالمی للفکر الاسلامی. صص ۱۰– ۱۱

گفتار پنجم: علم و معرفت

علم در اصطلاح اعتقاد قطعی یی که مطابق واقعیت باشد. و یا علم در اصطلاح حاصل شدن صورت چیزی در عقل.

معرفت: معرفت؛ یعنی درک کردن چیزی توسـط تفکر و تدبر در اثر آن و معرفت از علم خاص‌تر است. دربین علم و معرفت چند تفاوت لفظی و معنوی وجود دارد:

تفاوت لفظی: فعل معرفت تنها بر یک مفعول واقع می شـود؛ درحالیکه فعل علم خواهان دو مفعول است؛ و اگر فعل علم بر یک مفعول واقع شود، درآن صورت لفظ علم به معنای معرفت است؛ نه به معنای علم.

تفاوت معنوی: اولا: اینکه معرفت به ذات شـی تعلق می گیرد و علم به احوال شـی. و ثانیا: معرفت، -بیشـتر اوقات- بعد از درک کردن آن ثابت می ماند؛ گرچه از قلب ناپدید شـود؛ برعکس علم. براین اسـاس ضـد آن انکار اسـت. مثل آیه‌ی { فعرفهم و هم له منکرون}[یوسف، ۵۸] ترجمه: «و برادران یوسف(برای حصول غله) به مصر آمدند، پس بر او وارد شـدند، یوسـف آنان را شـناخت؛ ولی آنان یوسـف را نشـناختند.» و یا آیه‌ی { یعرفون نعمت الله ثم ینکرونها} [نحل،۸۳] ترجمه: «نعمت های الله ج را می شناسند(لیکن) آنها را انکار می‌کنند و بیشتر آنها کافر اند.» و ضد علم، جهل است. و ثالثا: معرفت، علم به عین شی به صورت تفصیلی بوده؛ درحالیکه علم، دانستن شی به صورت اجمالی است. [۱]

گفتار ششم: تفاوت علم خداوندمتعال با علم بشر

علم خداوند متعال با علم بشر قابل مقایسه نیست؛ ولی برخی از تفاوت‌های آنها را ذیلا ذکر می‌کنیم:

۱. علم الله متعال یقینی، قطعی و فراگیر است؛ درحالیکه علم بشر، مبنی بر گمان بوده؛ و احتمال خطاء و صواب را دارد.

---

[۱] . یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. صص۷۳ – ۷۴

۲. علم الله متعال وسیع بوده؛ و هیچ چیزی از دایره ی علم او پوشیده نیست؛، درحالیکه علم بشر اندک است .

۳. علم خداوند متعال به غیب، تام و مستقل است؛ درحالیکه علم بشر به غیب از طریق خبردادن خداوند متعال به آن است.[۱]

٤. علم الله متعال ذاتی بوده؛ و شامل غیب و شهود است و علم مخلوق کسبی و محدود است.[۲]

۵. الله متعال ازآنچه در خشکه و دریا است؛ آگاه است و هر برگی که می افتد و هر دانه ای در تاریکی های درون زمین و هر چیزی تر و خشکی که می افتد خداوند ج از او آگاه است و در لوح محفوظ ثبت است، برعکس علم بشر.[۳].

گفتار هفتم: حکم طلب علم

علما نظر به برخی از آیات، طلب علم دین، قرآن و سنت را واجب دانسته اند. اینک نظریات علما و دلایل شان را ذکر می کنیم:

امام قرطبی می گوید: طلب علم واجب وهمچنان تفقه (دانش دینی) کتاب وسنت وجوب کفایی است.

دلیل: او این آیه را به‌عنوان دلیل پیشکش میکند {و ما کان المؤمنون لینفروا کافهٔ فلولا نفر من کل فرقهٔ طائفهٔ لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون}

---

[۱] . محمدسید، الطنطاوی. (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. ج۵. اول. القاهره: دارنهضه مصر. ص ۸۷

[۲] . عبدالرحمن، السعدی. (۱۴۲۰ه). تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان. ج۲. اول. بیروت: مؤسسه الرساله. ص۴۷۹

[۳] . سید، قطب. (۱۳۸۶ه، ش). فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرمدل. ج۲. دوم. تهران: انتشارات احسان. ص۷۸۷

(سوره توبه، ۱۲۲) ترجمه: «و شایسته نیست که مومنان همگی (برای طلب علم) بیرون شوند، پس چرا از هر قبیله از ایشان یک گروهی بیرون نمیشوند تا دانشمند شوند و تا قوم خود را وقتی به سوی آنها باز گردند، بترسانند. شاید که آنها (پند گیرند و) از عذاب الله بترسند.» او می‌گوید: این آیه دلیلی بر وجوب طلب علم است؛ زیراکه مفهوم آیه چنین می‌شود 《 چی شده است مسلمانان را که همگی به جنگ می‌روند؛ درحالیکه پیامبر اکرم به جنگ نمی رود و تنها در مدینه مقیم می‌ماند بعد ازاینکه دانستند که نفیر(دعوت به جهاد) شامل همه نمی‌شود. و بقیه ی شان با پیامبر اکرم بمانند تا از او دین بیاموزند و هنگامی که آن گروه از کارزار بر گشتند به آنها شنیده‌ها و دانسته‌های شان را برسانند》 و نیز این آیه دلیلی بر وجوب کفایی بودن تفقه در کتاب و سنت است نه عینی بودن آن. [1]

سید طنطاوی نیز قایل به وجوب طلب علم، تفقه یا کسب دانش دینی و آموختن آن به مردم است. [2]

دلیل او نیز آیه فوق است.

عبدالرحمان سعدی می گوید: دانستن مسایل دینی-اصولی باشد یا فروعی- واجب است. و همچنان تعلیم آن بر علما واجب است.

دلیل: آیه‌ی { و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالا نوحی إلیهم فاسئلوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون } نحل، ۴۳) ترجمه: «و پیش از تو جز مردانی را که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم، پس اگر نمی‌دانید از اهل علم بپرسید» وی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه گرچه سبب نزولش خاص است؛ -که آن پرسیدن از اهل ذکر و اهل علم، از حالت پیامبران گذشته است؛ -ولی(حکم آن) در هر مسئله‌ی دینی از اصولی و فروعی می‌باشد، زمانی که انسان علم آن را نداند از عالمی بپرسد و دراین آیه امر به آموختن و

---

[1]. احمد، القرطبی. (۱۳۸۴ه، ق). الجامع لأحكام القرآن. تحقیق: احمد بردونی و ابراهیم اطفیش. ج۸. دوم. القاهره: دارالکتب المصریه. ص۲۹۳

[2]. محمد سید الطنطاوی، تفسیر الوسیط للقرآن الکریم . ج۶. صص۴۵۸ و۴۵۹

پرسیدن از اهل علم شده است و علما هم مامور به پاسخگویی نشده اند؛ مگر بخاطر اینکه تعلیم نمودن و جواب دادن بر ایشان واجب است. [1]

مبحث دوم: روش قرآن‌کریم در رسیدن به حقایق علمی و پیشکش نمودن آن

گفتار اول: روش‌های قرآن‌کریم در رسیدن به حقایق علمی

روش اول: قرآن کریم، انسان را دستور می‌دهد که هیچ چیزی را حق نداند؛ مگر درصورتی‌که بر حقانیت آن برهانی را اقامه کند. الله متعال می‌فرماید: { و قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هودا أو نصارى تلك أمانيهم قل هاتوا برهانكم إن كنتم صادقين }(بقره، ۱۱۱)ترجمه: «و گفتند: (یهود و نصارا) هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود؛ مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد این آرزوی آنها است بگو: دلیل خود را بیاورید اگر در دعوای خود صادق هستید.» برهان دلیلی را گویند که انسان را بر یقین واقع کند. و همچنان این آیه: { سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا و لا آبائنا و لا حرمنا من شيء كذالك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون إلا الظن و إن أنتم إلا تخرصون} (أنعام، ۱۴۸) ترجمه: «مشرکان (در برحق بودن خود) خواهند گفت: اگر الله می‌خواست ما و پدران ما شرک نمی‌آوردیم و نه بر خود چیزی را حرام می‌کردیم آنانیکه پیش از اینان بودند نیز همچنین(پیغامبر شان را) تکذیب می کردند تا آنکه عذاب مارا چشیدند بگو آیا نزد شما علمی(دلیل قطعی) است(براین دعوای تان) تا آن را برای ما آشکار کنید بلکه شما از گمان پیروی می‌کنید و دروغگویانی بیش نیستید.» الله‌متعال این شبهه مشرکین را که دراین مناظره بدان تمسک جستند رد می‌کند؛ زیراکه دلیل و حجت شان باطل است. اگر حجت شان باطل نمی‌بود؛ خداوند آنهارا عذاب نمی‌کرد. علمی که ازآنها خواسته شده است حق یقینی است. که با حجت قاطع

---

[1]. عبد الرحمن السعدی، تيسير الكريم الرحمن في تفسير الكلام المنان. ج۲، ص۵۲۰

ثابت شده باشد. فلذا بر آنها به‌خاطری اینکه گمان و تخمین را درجای حجت و یقین قرار دادند نقد کرد.

روش دوم: قرآن درمیان حق و یقین و گمان و تخمین تفاوت قائل است. آنجا که می‌فرماید: {أفرأیتم اللات و العزی و منات الثالثة الأخری ألکم الذکر و له الأنثی تلك إذا قسمة ضیزی إن هی إلا أسماء سمیتموها أنتم و آبائکم ما أنزل الله بها من سلطان إن یتبعون إلا الظن و ما تهوی الأنفس و لقد جائهم من ربهم الهدی (نجم،۱۹-۲۳) ترجمه: «آیا (بت‌های) لات و عزی را دیده‌اید و منات آن بت سومی دیگر را آیا(گمان دارید که) پسر برای شما است و دختر برای او(الله) دراین صورت این تقسیم ظالمانه ای است این بت ها جز نام های بیش نیستند که شما و پدران تان آن‌ها را نام نهاده اید و الله درباره(حقانیت) دلیلی نازل نکرده است جز از گمان و خواهشات نفس پیروی نمی‌کنند درحالیکه از (سوی) پروردگارشان برای آنان هدایت آمده است.»[1] قرآن گمان را درجای یقین نمی‌پذیرد بلکه رد می‌کند. مثلا در ساختار عقاید که نظر انسان- به‌سوی وجود، هستی، انسان و زندگی- برآن استوار است. پس دراین قضایای کبرا گمان کافی نبوده؛ بلکه علم یقینی درکار است. اما در قضایایی جزیی و فرعی گاهی گمان هم بسنده است.[2]

روش سوم: قرآن‌کریم تقلید کورکورانه را منع کرده؛ و بر آنانیکه به رأی چنگ می‌زنند و جز تقلید آبا و اجداد دلیل و حجتی ندارند شدیدا انکار می‌کند.[3] عقلی‌ای علمی در نظر قرآن جمود بر داشته‌های پدران وگذشتگان یا تسلیم مطلق در برابر داشته‌های سلف بزرگوار را طرد می‌کند. از نظر قرآن، عقل و علم هرگونه خشك‌اندیشی بر باورهای نیاکان و تسلیم‌مطلق شدن در برابر گذشته‌گان را رد می‌کند. و تقلید این‌ها و آن‌ها را در

[1] عبدالغفور، القیسی. (۱۴۲۹ه). العلم و العلماء فی القرآن الکریم. اول. بغداد، دیوان الوقف السنی و مرکز البحث و الدراسات الاسلامیه. صص ۹۴ و ۹۵

[2] یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. ص ۲۵۰

[3] . عبدالغفور، القیسی. العلم و العلماء فی القرآن‌الکریم. ص۹۶

اعتقادات و اعمال شـــان نپذیرفته؛ بلکه می‌خواهد که آن مورد آزمایش قرار بگیرد یا در روشـنایی عقل درآن نگریسـته شـود. این معقول نیسـت که به امورات زندگی ما مردگان بیندیشند درحالیکه ما زنده باشیم و ما به نتایج دوران گذشته‌ی پیشینیان ملزم شویم، بلکه ما به آنچه که عقل خودمان رهنمایی کند و به آنچه اندیشـــه خودمان برســـد ملزم هســـتیم. به‌همین خاطر قرآن‌کریم با درشـــتی، جمود و تقلید را در تمام صـــورت هایش تقبیح می‌کند.[1] آنجا که می‌فرماید: { و إذا قیل لهم إتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه آبائنا أولو کان آبائهم لا یعقلون شـیئا و لا یهتدون} (بقره، ۱۷۰)ترجمه: «و هنگامی که به (مشرکین) گفته شود که پیروی کنید آن(دینی) را الله نازل کرده است(درجواب) گویند: بلکه پیروی می‌کنیم ازآنچه که پدران خود را برآن یافته‌ایم(آیا پیروی می‌کنند پدران خود را) اگرچه پدرانشان چیزی را نمی‌فهمیدند و راهیاب نبودند.»

روش چهارم: قرآن‌کریم تأکید براین حقیقت دارد که درمیان حقایق هیچ تناقضـــی وجود ندارد. طوری‌که خداوند متعال می‌فرماید: { ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت} (ملک، ۳) ترجمه: «در آفرینش (پروردگار) مهربان هیچ تفاوت و خللی نمی‌بینی» بلکه خلقت راست و استوار بوده؛ اختلاف، ناسازگاری، بیم، نقص، عیب و خللی نیست.

پنجم: قرآن‌کریم به مشـاهده، اسـتعمال سـمع، بصـر و عقل دسـتور می‌دهد.[2] که در مبحث ابزارهای کسب علم در قرآن‌کریم روی این موضوع بحث خواهیم کرد.

گفتار دوم: روش‌های پیشکش نمودن حقایق علمی

قرآن‌کریم در تعبیر از علوم و معارف، در نهایت دقت و زیبایی، روش‌های متنوعی را به‌کار برده اسـت؛ که از نظر روش‌شـناختی کامل اسـت. چون درمیان روش بیانی و روش عقلی-عاطفی جمع نموده است.

[1] . یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن‌الکریم. ص۲۵۳

[2] . عبدالغفور، القیسی. العلم و العلماء فی القرآن‌کریم. صص۹۸ و ۹۹

اول روش بیانی: محمد بنعدی درباره روش بیانی به نقل از دکتر عبدالله دراز در کتاب العلوم و المعارف و اسلوب عرضها فی القرآنالکریم میفرماید: خداوند متعال سنتش را در نظام این هستی اینگونه جریان داده است که اسرار بزرگ را در پردههای زیبا و جمیل، بپوشاند؛ تا سبب حفظ آن شود. زمانیکه فرمان خدا پیشی گرفت که علوم باارزشی را که در این کتاب به ودیعت گذاشته است برما مصئون بماند؛ حکمتش خواهان این بود که جهت حفاظت آن علوم، محافظی را انتخاب کند که آنرا به مردم محبوب سازد. و مردم را جهت تحصیل آن به شادمانی تشویق کند. مانند صدای نغمهی شترچرانی که با نغمه اش شتران را میراند؛ درحالیکه سختی سفر را بر آنها آسان میسازد. و خداوند متعال هم برای این قالب شیرین و زیبا زبان عربی آشکار را انتخاب کرده است.

دوم روش عاطفی مختلط با روش عقلی: محمد بنعدی درمورد روش عاطفی مختلط با روش عقلی باز به نقل از دکتر عبدالله دراز نقل میکند: در نفس انسان دو قوه است: یکی قوه اندیشیدن و دیگری قوه وجدان. یکی آن از حق جهت معرفت آن و از خیر برای عمل به آن وارسی میکند. و آن دیگری، لذت و دردی را که از اشیا حس کرده، ثبت و تسجیل میکند. و سپس میگوید: ما کلام علما و حکما را هم میشناسیم و کلام ادیبان و شاعران را هم میشناسیم. هر یکی در یک زمینهی غلو و افراط و در یک زمینهی سهلانگاری و تفریط میکنند. حکما نتیجه اندیشه شان را برای تغذیه عقلی تو انتقال میکنند؛ ولی توجهی به خواهشات نفسانی و جذب عاطفه ات ندارند. هنگامی که حقایق علوم را به تو تقدیم میکنند هیچ التفاتی به خشکی و برهنگی و طبعگریزی آن ندارند. و شاعران برای برانگیختن وجدانت و به تحریک شبکه ارتباطی فهم نفست تلاش میکنند و بدانچه به تو از هدایت یا گمراهی بهتصویر میکشند هیچ باکی ندارند. حالا کلام یکتای را ببین که حقیقت برهانی قاطع را به گونه ای میآورد که موردپسند همگان؛ حتی فلاسفه ژرفنگر قرار میگیرد. و سهم وجدانی را بهگونهای میآورد که همگان؛ حتی شعراء راضی میشوند. آن فقط پروردگار عالمیان است. آن ذاتی است که آن را کاری از کاری دیگر

مشغول نمی‌سازد. و آن ذاتی است که قلب را با عقل همزمان با یک زبان موردخطاب قرار می‌دهد. که حق را با زیبایی آمیخته کند به‌گونه‌ای که باهم ملاقی شـــوند و از حد و مرز خود تجاوز نکنند. و از میان شان شراب خالص و گوارا برای نوشندگان بیرون کند. این را در کتاب خدا میابی آیا در گستردگی قصه‌ها و اخبار آن نمی‌بینی که حق عقل و حکمت و پندگیری را فراموش نکرده است آیا در شور و حرارت براهین و احکامش نمی‌بینی که حصه ی قلب را از تشویق و تحذیر فراموش نکرده است. این موارد را در مطالع و مقاطع آیات پخش کرده است. درمجموع، قرآن‌کریم اسلوب و روشی خاصی دارد که با اسلوب عرب در خطابت، کتابت و تألیف مغایر است آن روش، روشی است که شفابخش قلب عموم مردم و پاسخگوی نیازهای قلب های نخبگان است. پس ظاهر آن نزدیک و قابل‌فهم است که جمهور و توده‌های مردم را هدایت می کند و خلأ قلب‌ها را با ترغیب و ترهیب پر می‌سازد. و باطن آن عمیق وژرف اســت که تشــنگی علمی فلاسـفه و دانشــمندان را با حکمت و اندیشه فراوان رفع می کند. و گره‌های بزرگ فلاسفه؛ از آغاز و انجام هستی، از نظام و صــنعت دقیق و ابداع آن، را می گشــاید. همین روش مرونت و انعطاف‌پذیری در قرآن اســت، که باوجود تغییرات و رنگ پذیری لفظی و ذهنی، تضــمین کننده جاودانگی قرآن بوده است.[۱]

مبحث سوم: ابزارهای کسب علم در قرآن‌کریم

در قرآن‌کریم نه‌تنها به علم و ارزش علم پرداخته شده؛ بلکه از ابزارهای کسب علم نیز ذکری به میان آمده است. ابزارهای کسب علم به‌صورت کلی به چهار دسته تقسیم شده اند: ابزارهای درونی، ابزارهای بیرونی، ابزارهای تجربی و ابزارها یا منابع الهام‌بخش.

---

[۱] . محمد، بنعدی. (۱۴۴۷ه، ق). العلوم و المعارف و أسلوب عرضها فی القرآن الکریم. نسخه الکترونیکی. صص۴و ۵

گفتار اول: ابزارهای درونی کسب علم

سمع و بصر: خداوند متعال در قرآن‌کریم در آیاتی متعددی سمع و بصر را به عنوان کسب علم دانسته است. در سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۷۹ سمع(شنوایی) و بصر(بینایی) را ابزاری کسب علم می‌داند { و لقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن و الإنس لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها أولئك کالأنعام بل هم أضل أولئك هم الغافلون }(نحل، ۱۷۹)ترجمه: «البته برای دوزخ بسیاری از جن‌ها و انسان‌ها آفریدیم که (علامت آن‌ها این است:) ایشان را دل‌های است که به آن(حق را) نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که به آن نمی بینند و گوش‌هایی است که به آن(سخن حق را) نمی‌شنوند این‌ها به مانند چهارپایانند بلکه گمراه تر از آنها ، ایشان غافلانند.» محمد سید طنطاوی در تفسیر این آیه می‌گوید: " توسط چشم هستی و دلایل شاهد بر وحدانیت خداوند متعال را با دیده‌ی تأمل و عبرت ندیده و توسط گوش، نشانه ها و اندرز را با تدبر و پندگیری نشنیده اند؛[1] سرانجام راهی جهنم می‌شوند.

تفکر: خداوند متعال در آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره، تفکر را وسیله‌ی علم دانسته است. { إن فی خلق السماوات والأرض و اختلاف اللیل والنهار و الفلك التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما أنزل الله من السماء من ماء فأحیا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابۀ و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین السماء والأرض لآیات لقوم یعقلون} (بقره، ۱۶۴) ترجمه: «البته(دلیل وحدانیت الله متعال این است که)در ایجاد کردن آسمانها و زمین، و در اختلاف شب و روز ، و در کشتی های که به نفع مردم در بحر می‌روند، و در آنچه که نازل کرده است از آسمان از آب، تا زمین را بعد از خشکیدنش با آن زنده کند و انواع جانوران را در آن منتشر سازد، و در درحرکت درآوردن بادها، و در ابری که مسخر کرده شده بین آسمان و زمین ، نشانه ها(و دلایل واضح)است (بر قدرت و وحدانیت او

---

[1] . محمد سید، الطنطاوی. التفسیر الوسیط للقرآن‌الکریم. ج۵. ص۴۴۰

تعالی) برای مردمی که بفهمند(و از عقل کار گیرند)» خداوند متعال دراین آیه، تنها به آگاه‌ساختن از آیات و نشانه‌های شاهد بر وحدانیت خود اکتفا نکرده؛ بلکه نگریستن به آنها و عبرت‌گرفتن از آنها را یکجا آورده است.[1]

عقل به عنوان ابزار علم: در قرآن‌کریم، عقل یکی از ابزارهای کسب علم شناخته می‌شود. الله متعال در آیه‌ی ۱۹۰ سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: { إن فی خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل والنهار لآیات لأولی الألباب} (آل‌عمران، ۱۹۰) ترجمه:«یقینا در آفریدن آسمانها و زمین(به هیئت خاص) و در اختلاف(پی‌درپی آمدن) شب و روز ، دلایل واضح(به قدرت و وحدانیت خداوند متعال) برای صاحبان خرد است.» محمد سید طنطاوی در تفسیر این آیه می‌گوید: یقینا در ایجاد کردن آسمانها و زمین به این شکل بدیع و آنچه در آسمانها و زمین است، (مثل) ستارگان، اقیانوس‌ها، کشتزارها و درختان و در ایجاد شب و روز در حالت پیاپی و در اختلاف شب و روز ، در کوتاهی و درازی، و در همه‌ی این‌ها نشانه های واضح و دلایل روشن، بر وحدانیت خداوند، قدرت بزرگ و حکمت آشکار او تعالی برای آنانیکه عقل سلیم دارند)، هستند.[2]

فطرت به عنوان وسیله‌ی شناخت: امام راغب اصفهانی در مفردات القرآن، فطرت را اینگونه تعریف کرده است: "نوپدید آوردن و ترکیز کردن معرفت خداوند متعال در وجود انسان‌ها"[3] خداوند متعال در سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰ راجع به فطرت ارشاد می‌فرماید: { فأقم وجهک للدین حنیفا فطرت الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذالک الدین القیم و لکن أکثر الناس لا یعلمون } (روم، ۳۰) ترجمه: «پس رویت را با پیروی از حق و بیزاری از ادیان باطل به سوی این دین راست کن، با همان فطرتی که الله مردم را بر آن آفریده است. (چون) در خلقت الله تبدیلی نیست، این است دین محکم و استوار، و

---

[1] . احمد، القرطبی. الجامع لاحکام القرآن. تحقیق: أحمد بردونی و إبراهیم اطفیش. ج۲ . ص ۴۴۷۹

[2] . محمد سید، الطنطاوی. تفسیر الوسیط للقرآن‌الکریم. ج۱۱. ص ۱۹۰

[3] . حسین، اصفهانی.(۱۴۱۲ه). المفردات فی غریب القرآن. ج۱. اول. بیروت، دارالقلم، ص۳۸۲

لیکن بیشـــتر مردم نمی دانند.» ابن‌عاشـــور به نقل از ابن عطیه می‌فرماید: " فطرت همان آفرینش و ساختار درونی ای است که در نفس انسان قرار دارد و برای این منظور آماده و مهیا شده است که انسان به وسیله‌ی آن مخلوقات خداوند ج را تشخیص دهد و ازاو به سوی پروردگارش استفاده کند و احکام او رابشناسد.[1]

گفتار دوم: ابزارهای بیرونی کسب علم

علم‌آموزی توســط خواندن: محمد ســید طنطاوی می‌فرماید: آغاز به کلمه اقرأ نشـــان‌دهنده اهمیت به کتابت، قراءت، تعلیم و تعلم اســـت. و به نقل از شـــیخ محمد عبده می‌فرماید: بیان نیکوتر و دلیل قاطع تر، بر فضیلت خواندن، نوشتن و علم با تمام انواع آن، از آغاز کردن کتاب خداوند متعال و ابتدای وحی به آیات روشـــن، یافته نمی‌شـــود. اگر مســـلمانان با این هدایت، رهنمون نشـــدند، و نظرکردن درآن، ایشـــان را به جنب و جوش درنیاورد، و به پاره کردن پرده‌های که نور علم را از ایشان پوشانیده است، سوق نداد، و اگر به فاتحه ی این کتاب روشن استرشاد نکردند، و ازاین چراغ تابان، روشنی نخواستند، خداوند آنهارا هدایت نمی کند.[2]

آموزش توسط پرسشگری و سوال: در قرآن‌کریم پرسشگری و سوال نیز به عنوان ابزار علم شـــناخته شـــده اســـت. خداوند متعال در ســـوره‌ی بقره آیات ۶۷_ ۷۳ از نقل داســـتان بنی‌اسرائیل با موسی ع پیامبر وقت، در مورد گاو و مشخصات آن که توسط موسی ع از خداوند متعال پرسیده می‌شود، تا به‌وسیله‌ی زدن یک قسمت گاو ذبح شده بر مقتول، قاتل شناسایی شود، به اهمیت پرسش به عنوان ابزار علم اشاره کرده و می‌فرماید: {و إذ قال موسی لقومه إن الله یأمرکم أن تذبحوا بقرۀ قالو أتتخذنا هزوا قال أعوذ بالله أن أکون من الجاهلین قالوا ادع لنا ربک یبین لنا ما هی قال إنه یقول إنها بقرۀ لا فارض و لا بکر عوان بین ذالک فافعلوا ما تؤمرون قالوادع لنا ربک یبین لنا ما هی إن البقر تشـــابه علینا و إنا إن

---

[1]. محمد الطاهر، ابن‌عاشور. (۱۴۰۴ه). التحریر و التنویر. ج۲۱. اول. تونس: الدار التونسیه. صص۳۹ و ۴۰

[2]. محمد سید، الطنطاوی. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. ج۵. ص۴۵۵

شاءالله لمهتدون قال إنه یقول إنها بقرهٔ لا ذلول تثیر الأرض و لا تسقی الحرث مسلمهٔ لا شیهٔ فیها قالوا الآن جئت بالحق فذبحوها و ما کادوا یفعلون و إذ قتلتم نفسا فادارئتم فیها و الله مخرج ما کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون} (بقره، ۶۷_ ۷۳) ترجمه: «و یادآور شوید هنگامیکه موسی ع به قومش گفت: البته الله به شما دستور می‌دهد تا گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا مارا مورد استهزاء قرار می دهی ؟ موسی گفت: پناه می‌برم ازاینکه از جاهلان باشم، گفتند: از پروردگارت درخواست کن که برای ما بیان کند آن گاو چگونه است؟ گفت: او می گوید: آن گاوی است نه پیر و نه جوان ، بلکه میان آن دو است. پس آنچه به شما فرمان داده می‌شود بجا آورید(باز) گفتند: از پروردگارت درخواست کن برای ما بیان کند رنگ آن چگونه است؟ گفت: او می‌فرماید: آن گاوی است زردرنگ که بینندگان را شاد می کند. (بار دیگر به موسی) گفتند: از پروردگارت برای ما بخواه تا برای ما بیان کند آن گاو چگونه است چون گاو بر ما مشتبه شده است و ما اگر الله بخواهد حتما راهیاب خواهیم شد. موسی گفت: الله می‌فرماید: آن گاوی است نه رام شده که زمین را قلبه کند، و نه آبیاری کند کشتزار را ، بی‌عیب و یک رنگ است. گفتند: اکنون سخن حق را بیان کردی، پس آن را ذبح کردند نزدیک بود این کار را نکنند. و (سبب امر به ذبح گاو این بود که) وقتی فردی را کشتید و(درباره قاتل) آن اختلاف کردید و الله ظاهر کننده‌ی چیزی بود که آن را پنهان می کردید پس حکم کردیم که بزنید جسم مقتول را به یک حصه ی از گوشت گاو، این چنین الله مردگان را زنده می کند و به شما نشانه‌های قدرت خود را نشان می‌دهد تا بفهمید.»

گفتار سوم: ابزارهای تجربی

یادگیری از طبیعت: خداوند متعال در آیات متعددی به فراگیری از طبیعت اشاره دارد؛ تا بر قدرت خداوند متعال پی برده شود. مثلا در آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی روم ارشاد می‌فرماید: { و من آیاته أن یرسل الریاح مبشرات و لیذیقکم من رحمته و لتجری الفلک بأمره و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون } (روم، ۴۶) ترجمه:«و از علامات قدرت و وحدانیت الله این

است که باد هارا مژده رسان می فرستد تا از رحمت خود به شما بچشاند و کشتی ها هم با امر او به حرکت درآیند و تا از فضل او بجویید و تا شکرگزارید.» محمد سید طنطاوی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: از آیات و دلایل قاطع بر وحدانیت خداوند متعال و جاری شدن قدرت او، این است که خداوند متعال به خواست و اراده ی خود بادها را می‌فرستد؛ تا مژده ی به آمدن باران –که درآن خیر بسیاری به مردم است– باشد.[1]

علم از طریق مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن: در قرآن‌کریم اشاراتی به اهمیت علم تاریخ شده است. از جمله: در آیه‌ی ۱۳۷ سوره‌ی آل‌عمران: { قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین } (آل‌عمران، ۱۳۷) ترجمه: «پیش از شما سنت های الهی(راجع به نصرت مؤمنان و عذاب کفار) گذشته است پس در زمین سفر کنید و ببینید که سرانجام تکذیب کنندگان چطور بود.» ابن‌عاشور در تفسیر این آیه می‌نویسد: این آیه دلیل بر اهمیت تاریخ است؛ زیرا درآن فایده‌ی سیر در زمین است و آن فایده، شناخت اخبار پیشینیان و اسباب صلاح و فساد امت‌ها است. وی به نقل از ابن عرفه می فرماید: سیر در زمین یکی حسی است و دیگری معنوی. سیر معنوی مطالعه کتاب‌های تاریخ،[2] و سیر حسی سیر در زمین است.

شهود و تجربه وسیله ی کسب علم: خداوند متعال در سوره‌ی نحل آیه‌ی ۴۳ برای دستیابی به اینکه آیا پیامبران گذشته از جنس بشر بوده اند یا از جنس ملك، انسان را به سوی تجربه تاریخی بشر رهنمون شده و ارشاد می کند که دراین زمینه از افراد آگاه بپرسد. آنجا که می‌فرماید: { و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالا نوحی إلیهم فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون } نحل، ۴۳) ترجمه: «و پیش از تو جز مردانی را که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم، پس اگر نمی‌دانید از اهل علم بپرسید»

---

[1] . محمد سید، الطنطاوی. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. ج۱۱. ص۹۵

[2]. محمد الطاهر، ابن عاشور. التحریر و التنویر. ج۴. ص۹۷

گفتار چهارم: ابزارها یا منابع الهام بخش

قرآن‌کریم وسیله‌ی علم و هدایت بشر: خداوندمتعال در آیات ۱_۲ سوره‌ی بقره می‌فرماید: {الم ذالک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین } (بقره، ۱_۲) ترجمه: «الف، لام، میم (مفهوم این حروف به الله معلوم است) این کتابی است که هیچ شکی در (حقانیت) آن نیست راهنمایی برای پرهیزگاران است.» محمد سید طنطاوی در تفسیر آیه‌ی فوق می‌نویسد: قرآن، هدایت و ارشاد برای پرهیزگاران است آنانیکه از گفتار و کردار ناپسند خودداری می‌کنند؛ حتی از اشیایی مضر و آسیب‌رسان خود را نگهداری می‌کنند.[1]

علمای دینی به عنوان ابزار علم: خداوند متعال در قرآن‌کریم، علما را وسیله‌ی کسب علم معرفی کرده و می‌فرماید: { و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالا نوحی إلیهم فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون(نحل، ۴۳) ترجمه: «و پیش از تو جز مردانی را که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم، پس اگر نمی‌دانید از اهل علم بپرسید.» محمد سید طنطاوی در تفسیر این آیه می‌گوید: این آیه دلیلی بر وجوب رجوع به اهل علم در مسائل مجهول و نامعلوم است.[2]

وحی بزرگترین و بهترین وسیله‌ی کسب علم: قرآن‌کریم وحی را نیز وسیله‌ی شناخت معرفی کرده است که گاهی وحی به پیامبران و گاهی به مادرموسی و حتی وحی به زنبورعسل را یادآور می‌شود و از میان این همه قرآن‌کریم بهترین و کاملترین نمونه‌ی وحی است آنجا که خداوند متعال در سوره‌ی رحمن می‌فرماید { الرحمن، علم القرآن } (رحمن، ۱_۲) الله بخشنده(است) قرآن را به (محمد) آموخت. محمد سید طنطاوی می‌نویسد: خداوند متعال به پیامبرش قرآن را -که از لحاظ شأن و مقام بزرگترین نعمت خداوند است -نازل کرد؛ زیرا انسان به پیروی کردن از رهنمودها و ارشادات آن به سعادت دنیا و آخرت نائل می‌گردد.

---

[1]. محمدسید، الطنطاوی. التفسیرالوسیط للقرآنالکریم. ج۱. ص۳۰

[2] .محمد سید، الطنطاوی. همان اثر. ج۸. ص۱۵۸

فصل سوم
روش و مواد تحقیق

تحقیق حاضـــر با عنوان « جایگاه علم در قرآن»، تلاشـــی اســـت برای تحقیق یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام فکری اســـلام. بنده به عنوان محقق، معتقدم که مطالعه پیرامون علم در قرآن، صرفاً یک جستجوی لغوی نیست، بلکه بررسی یک جهان‌بینی است که در آن، آگاهی مادی و معنوی به هم گره خورده‌اند. برای دســـتیابی به این هدف، بنده چارچوب روش‌شـــناختی دقیقی را انتخاب کرده‌ام تا از هرگونه تفســـیر بالرأی یا پراکنده‌گویی جلوگیری شود. در این فصل، بنده به قضایایی می‌پردازم که برای استخراج نظام علمی قرآن برگزیده‌ام.

۱. نوع روش تحقیق (تبیین رویکرد استدلالی)

روش اصلی بنده در این تحقیق، توصیفی – تحلیلی با صبغه اجتهادی و تدبری است.

بنده کلمه علم و مشـــتقات آن و همچنین کلمات هم‌خانواده آن مانند حکمت، فقه و معرفت را جمع‌آوری کردم. هدف در این مرحله، ارائه تصـــویری جامع از منظومه کلماتی قرآن در باب علم است.

بنده فراتر از معنای تحت‌اللفظی، به تحلیل سیاق آیات «علم» پرداخته‌ام و کوشیده‌ام تا دریابم که چرا قرآن در برخی موارد علم را در کنار «ایمان» و در برخی دیگر در تقابل با

«ظن و گمان» قرار می‌دهد. این تحلیل به بنده کمک کرد تا «فلســفه علم» از منظر وحی را استخراج کنم؛ یعنی علمی که هدف آن تنها تجمع اطلاعات نیست، بلکه کشف حقیقت و رسیدن به توحید است.

۲. روش جمع‌آوری اطلاعات (تفکیک منابع و ابزارها)

بنده برای جمع‌آوری مواد این مونوگراف، از روش «مطالعه کتابخانه‌ای و جســتجو در پایگاه‌های انترنتی» استفاده نموده‌ام. روش گردآوری بنده شامل مراحل زیر بوده است:

مراجعه به متون وحیانی: قرآن کریم به عنوان منبع اصــیل محور اصــلی کار بنده بوده است بنده با استفاده از نرم افزارهای تخصصی علوم اسلامی و منابع الکترونیکی، مجموعه ای از آیات مرتبط با موضوع علم را استخراج کردم.

بررسی آراء مفسران: بنده دیدگاه‌های مفسران بزرگ (اعم از متقدم و متأخر) را مورد مطالعه قرار دادم تا ســیر تحول معنایی «علم» را در تاریخ تفکر اســلامی جســتجو کنم. در اینجا، تفاوت نگاه مفسران فلسفی با مفسران متن‌گرا برای بنده اهمیت ویژه‌ای داشت.

اســناد علمی و تمدنی: برای بررســی «جایگاه علم در قرآن» در پیوند با دنیای معاصــر، بنده به آثار دانشــمندان مســلمان گذشــته و حاضــر در حوزه «تعاریف علم» و «فلســفه علم» رجوع کردم تا تأثیر تشــویق‌های قرآنی بر شــکوفایی تمدن اســلامی در قرون گذشــته را مستند سازم.

۳. روش تحلیل و تجزیه اطلاعات (طرزدید محقق)

بنده در مرحله تجزیه و تحلیل، از روش «تحلیل محتوای کیفی» و «طبقه‌بندی منطقی» بهره برده‌ام. فرآیند کار بنده به شرح زیر است:

تجزیه: بنده مفهوم کلی علم را به اجزای کوچک‌تر نظیر «ابزارهای علم» (حس، عقل و وحی)، «جایگاه علم در نظام معرفتی قرآن » (علم، حکمت و فقه) و «علم جدید درقرآن» (تفسیردرست آیات علمی قرآن، نمونه های آیات علمی قرآن) تقسیم کردم.

ترکیب و نتیجه‌گیری: پس از بررسی هر جزء، بنده به بازسازی ساختار فکری قرآن درباره علم پرداختم. بنده در این مرحله سعی کردم نشان دهم که چگونه قرآن میان «علوم تجربی» (مطالعه در آفاق و انفس) و «علوم دینی» نوعی وحدت ایجاد کرده است. بنده با استفاده از استدلال‌های عقلی، اثبات نموده‌ام که در جهان‌بینی قرآنی، هیچ مرز قاطعی میان علم دینی و علم بشری وجود ندارد، چرا که منشأ هر دو یکی است.

٤. نحوه تطبیقی (ارتباط میان سنت وحیانی و علوم جدید)

از آنجا که بخشی از مونوگراف بنده به مقایسه قرآن و علم جدید اختصاص دارد، روش «تطبیقی - انتقادی» را برگزیده‌ام:

نحوه مواجهه با علم جدید: بنده علم جدید را به عنوان محصول تجربه و عقل بشر محترم شمرده، اما در تطبیق آن با قرآن، از علم‌زدگی خودداری کرده‌ام.

استخراج مؤلفه‌های تطبیق: بنده آیاتی را که در مورد پدیده‌های هستی، بیولوژیکی وجنین شناسی سخن می‌گویند، در کنار یافته‌های قطعی (و نه فرضیات اثبات‌نشده) علوم جدید قرار دادم. بنده در این تطبیق، به دنبال نشان دادن این حقیقت بودم که زبان قرآن، زبان «هدایت» است که از «حقایق تکوینی» به عنوان ابزاری برای بیداری عقل بشر استفاده می‌کند.

تحلیل غایی: بنده با مقایسه مبانی، نشان دادم که علم جدید عمدتاً بر «توصیف پدیده‌ها» تمرکز دارد، در حالی که جایگاه علم در قرآن، علاوه بر توصیف، بر «معنابخشی» و «جهت‌دهی اخلاقی» به دانش نیز تأکید می‌ورزد.

٥. اخلاق تحقیق و امانت‌داری

بنده به عنوان محقق، در تمام مراحل نگارش مونوگراف، خود را ملزم به رعایت امانت‌داری علمی دانسته‌ام. ارجاع دقیق به منابع، پرهیز از قضاوت‌های شخصی، و تلاش برای فهم مراد واقعی آیات با استفاده از قرائن کلامی و تاریخی، از اصول تخطی‌ناپذیر

بنده در این تحقیق بوده اســت. بنده کوشــیده‌ام تا با نگاهی بی‌طرفانه، عظمت نگاه قرآن به علم را نه از روی تعصب، بلکه بر اساس شواهد متقن متنی و عقلی به تصویر بکشم.

فصل چهارم

یافته‌های تحقیق

مبحث اول: جایگاه علم در نظام معرفتی قرآن کریم

گفتار اول: علم، فقه و حکمت در قرآن

معانی هریک

علم به معنای، درک حقیقت چیزی.[1] و فقه به معنای رسیدن به علم غائب توسط علم شاهد. و یا به معنای علم احکام شریعت،[2] حکمت، گفتار و کردار صواب و درست، قرآن، شناسایی ناسخ و منسوخ، محکم ومتشابه، مقدم و مؤخر، حلال و حرام و امثال قرآن.[3]

---

[1] . یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. ص۷۱

[2] . حسین، راغب الاصفهانی. المفردات فی غریب القرآن. ج۱. ص۶۴۲

[3] . محمد، الطبری. (۱۴۲۲ه، ق). جامع البیان فی تأویل القرآن. تحقیق: دکتور عبدالمحسن الترکی و دکتور عبدالسند حسم یمامهٔ. ج۵. اول. مصر. دارهجر. صص۹-۱۱

موارد کاربرد هر یک

۱. کاربرد علم در قرآن‌کریم:

کلمه‌ی علم در قرآن‌کریم دارای معانی و دلالات غنی ای است؛ و این مطلب از بررسی چندی از آیاتی که در آنها کلمه‌ی علم وارد شده است و همچنان از مراجعه به تفسیر آن کلمه، واضح می‌گردد. اینک ما چندی از آنها را ذکر می‌کنیم:

علم به معنای فقه یا علم رویا(تعبیر خواب) الله متعال در سوره‌ی یوسف آیه‌ی ۲۲ می‌فرماید: { و لما بلغ أشده آتیناه حکما و علما و کذالک نجزی المحسنین } (یوسف، ۲۲) ترجمه: «و چون به کمال جوانی خود رسید به او حکمت و دانایی دادیم این چنین به نیکوکاران پاداش می‌دهیم.»

علم به معنای یقین: آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: {ثمنیهٔ أزواج من الضأن اثنین ومن المعز اثنین قل ءا الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین نبئونی بعلم إن کنتم صادقین} (أنعام، ۱۴۳) ترجمه: «الله برای شما حرام کرده است هشت جفت از گوسفند نر و ماده و از بز نر و ماده بگو: آیا آن دو نر را حرام کرده است یا آن دو ماده را یا آنچه را در شکم آن دو ماده‌ها است با علم یقینی و دانش به من خبر دهید اگر(در دعوای تان) صادق هستید؟»

علم به معنای حق: الله متعال می‌فرماید: { إن الذین لا یؤمنون بالآخرهٔ لیسمون الملائکهٔ تسمیهٔ الأنثی و ما لهم به من علم إن یتبعون إلا الظن و إن الظن لا یغنی من الحق شیئا }(نجم، ۲۷_۲۸) ترجمه: «البته آنانیکه به روز آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به نام دختران نامگذاری می‌کنند درحالیکه آنان به آن هیچ علمی ندارند جز از گمان پیروی نمی‌کنند و به یقین گمان انسان را از (شناخت) حق بی‌نیاز نمی‌کند.»

علم به معنای حجت: خداوند متعال می‌فرماید: { قل أرأیتم ما تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک فی السماوات إئتونی بکتاب من قبل هذا أو أثارهٔ من علم إن کنتم صادقین } (احقاف، ۴) ترجمه: «بگو: آنچه را به‌جای الله(به دعا)

می‌خوانید دیده اید؟ به من نشـــان دهید چه چیزی از زمین را (معبودان باطل تان) آفریده اند؟ یا اینکه در آفرینش آسمانها شراکت داشته اند؟ اگر راستگو هستید پس کتابی پیش از این یا نشانه‌ی از علم(گذشتگان) برای من بیاورید.»

علم به معنای خوف(ترس): {یا أبت إنی قد جائنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی أهدك صراطا سویا } (مریم، ۴۳) ترجمه: «ای پدرجان! البته از علم چیزی به من آمده که به تو نیامده است لذا از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.»

علم به معنای امر: الله متعال می‌فرماید: { و یســـالونك عن الروح قل الروح من أمر ربی و ما أوتیت من العلم إلا قلیلا } اسراء، ۸۵) ترجمه:«و (کفار) از تو درباره‌ی روح می‌پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است و از علم به شما داده نشده است مگر اندکی.»[1] البته برخی معانی‌ای را که دراین اقسام ذکر شده‌است معانی اصلی علم نیست؛ ولی لوازم و ضرورات آن است. مثلا علم به معنای خوف(ترس) نیست ولی لازمه ترس است یعنی کسیکه علمی از نتیجه شرك به او رسیده باشد که دوزخ است طبعا او می‌ترسد.

۲. کاربرد حکمت در قرآن‌کریم:

حکمت در قرآن‌کریم بر چهار صورت آمده است:

حکمت به معنای اندرزها و مواعظ قرآنی: خداوند ج می‌فرماید: { و ما أنزل علیکم من الکتاب و الحکمۀ یعظکم به } (بقره، ۲۳۱) ترجمه: «و(یاد کنید) آنچه را که الله از کتاب و حکمت(سنت پیغمبر) بر شما نازل کرده است الله شما را به وسیله‌ی آن(کتاب) پند می‌دهد و از الله بترسید و بدانید که الله به هر چیز دانا است.»

حکمت به معنای فهم و علم: { و آتیناه الحکم صـبیا} (مریم، ۱۲) ترجمه: «و به او در کودکی حکمت دادیم.»

[1] . منی، لهیبی. (۲۰۲۴م) العلم فی القرآن الکریم. بغداد: المجلات الاکادمیه العلمیه۶۵-۱. ص۴

حکمت به معنای نبوت: { فقد آتینا آل إبراهیم الکتاب و الحکمۀ } (نساء،۵۴) ترجمه: « یقینا ما به اولاد إبراهیم(شما بنی اسرائیل) کتاب و حکمت دادیم.»

حکمت به معنای قرآن و اسرار عجیب آن: { أدع إلی سبیل ربک بالحکمۀ و الموعظۀ الحسنۀ } (نحل، ۱۲۵) ترجمه: «مردم را ببا حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت بده و با آنها با شیوه‌ی که نیکوتر است مجادله کن.»[۱]

۳. کاربرد لفظ فقه:

واژه‌ی فقه در فهم آیات خداوند ج در آفاق و انفس، تأمل در قوانین خداوند، در هستی و اجتماع، در روشنایی شواهد تاریخی و دلایل واقعی و شناخت اسرار مخلوقات و مقاصد شریعت خداوند، به کار برده می‌شود.

أ. کاربرد آن در آیات انفسی: {هو الذی أنشأکم من نفس واحدۀ فمستقر و مستودع قد فصلنا الآیات لقوم یعلمون }(أنعام، ۹۸)ترجمه: «و الله آن ذاتی است که شما را از یک نفس آفرید پس برای شما قرارگاه است(در دنیا) و امانت گاه است(در قبر) واقعا آیات(توحید) را برای قومی که می‌فهمند به تفصیل بیان کرده‌ایم.»

ب. کاربردآن در فهم آیات خداوند در هستی که از کفار و منافقین فقه را نفی می کند: { .....لهم قلوب لا یفقهون بها...}(اعراف، ۱۷۹) ترجمه: «ایشان را دل‌های است که به آن(حق را) نمی‌فهمند.»

ج. کاربرد آن در اجتماع: { و إن یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و إن یکن مائۀ یغلبوا ألفا من الذین کفروا بأنهم قوم لا یفقهون } (انفال، ۶۵) ترجمه: «اگر از شما بیست نفر صابر باشد بر دوصد تن (کافر) غالب می آیند و اگر از شما صد نفر باشد بر هزار تن از کافران غالب می‌آیند؛ زیرا کفار قومی اند نادان.» [۲]

---

[۱]. محمد، الرازی. (۱۴۰۱ه،ق). تفسیر الفخر الرازی = التفسیر الکبیر. ج۷. بیروت: دارالفکر. ص۷۳

[۲]. یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. صص ۱۸۶–۱۹۰

گفتار دوم: نقش علم در رشد انسان

علم از نظر قرآن کریم نقش مهمی را در رشد فردی، سیاسی-نظامی و اقتصادی انسان ایفا می کند.

نقش علم در رشد فردی انسان: الله متعال در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مجادله می‌فرماید: { یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین أوتوا العلم درجات }(مجادله، ۱۱) ترجمه: «الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و آنانی را که علم داده شده‌اند رفعت و بزرگی می‌بخشد» امام فخر رازی به نقل از قاضی می‌فرماید: علم برای عالم به دلیل فرمانبرداری اش جایگاهی را می‌طلبد که آن برای مؤمن حاصل نمی‌شود، به‌همین جهت است که عالم در تمام کردارش الگو قرار داده می‌شود؛ زیرا او چگونگی‌ای اجتناب از حرام، شبهات و محاسبه‌ی نفس را می‌داند که دیگران نمی‌دانند. و کیفیت خشوع و خضوع در عبادت و روش توبه، اوقات و صفات آن را می‌دانند که غیر او نمی‌داند. عالم، حقوق و وجایب را محافظت می کند که دیگران نمی کنند.[1]

نقش علم در رشد سیاسی ـنظامی: الله متعال می‌فرماید: { و قال لهم نبیهم إن الله قد بعث لکم طالوت ملکا... قال إن الله اصطفه علیکم و زاده بسطهٔ فی العلم و الجسم ...} (بقره، ۲۴۷) ترجمه: « و پیامبرشان به آنها گفت: البته الله طالوت را پادشاه شما فرستاده است... و (پیغمبر شان) گفت:همانا الله او را بر شما برگزیده و در جسم و دانش بر شما برتری بخشیده است...» ابن‌عاشور در تفسیر آیه‌ی فوق می‌فرماید: صفاتی که در سیاست امور ملت به آنها نیاز است به اصالت رای و قوت بدنی خلاصه می‌شوند؛ زیراکه رای و فکر، مصالح امت را رهبری می کند خصوصا در حالات بحرانی و عدم دسترسی به مشوره گیری و یا هنگام مخالفت مجلس شورا در مسئله‌ای. و به‌وسیله‌ی قوت بدن توانایی ایستادگی در کارزار را دارد؛ زیرا ثبات و پایداری او ثبات و پایداری لشکر است.[2]

[1] . محمد، الرازی. تفسیرالفخر الرازی=التفسیر الکبیر. ج۲۹. ص۲۷۱

[2] . محمد، ابن‌عاشور. التحریر و التنویر. ج۲. ص۳۹۱

نقش علم در رشـد اقتصـادی مملکت: الله متعال داسـتان درخواسـت یوسـف پیامبر از فرعون مصـر وزارت اقتصـاد کشـور را نقل کرده و می‌فرماید: { قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم} (یوسف، ۵۵) ترجمه: «یوسف گفت: مرا بر خزانه‌های مصر مقرر کن، چونکه من نگهدارنده دانا هسـتم.» امام بغوی رح این آیه را اینگونه تفسـیر می‌کند: نگهدارنده خزانه و بیت‌المال و دانا به جاهای مصـلحت آن، نگهبان امانتی که بر دوش من می‌گذاری و دانا به چیزی که مرا بر آن می گماری، نگهدار حسـاب و دانا به اهل لسـان های که اینجا می‌آیند و نگهبان به تقدیر آن در سـال‌های خشـکسـالی و دانا به وقت گرسنگی هستم[۱]

گفتار سوم: علم و هدایت الهی

ارتباط علم با ایمان: علم از نظر قرآن‌کریم نقض کننده و دشـمن دین نبوده؛ بلکه در کنار ایمان به سـفر خود ادامه می‌دهند. و ازاین جهت اسـت که قرآن واژه‌ی "ایمان" را بر واژه‌ی "علم" عطف نموده (و یکجا) آورده اسـت.:{ و قال الذین أوتوا العلم و الإیمان لقد لبثتم فی کتاب الله إلی یوم البعث} (روم، ۵۶) ترجمه: «و کسـانی که به ایشـان علم و ایمان داده شـده است میگویند: طبق حکم درکتاب الله تا روز قیامت درنگ کرده‌اید، پس این روز قیامت است و شما نمی‌دانستید.»

ارتباط علم و هدایت: علم حقیقی از نظر قرآن‌کریم هادیِ انسان به سوی ایمان می‌شود. الله متعال می‌فرماید: { و یری الذین أوتوا العلم الذی أنزل إلیك من ربك هو الحق و یهدی إلی صـراط العزیز الحمید} (سـبأ، ۶) ترجمه: «و کسـانی که علم داده شـده‌اند می‌بینند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است حق است و اینکه به سوی راه غالب و دارای صـفات کمال و سـتوده راهنمایی می‌کند.» دربین علم و ایمان و یا علم و دین-

---

[۱] . الحسین، البغوی (۱۴۲۰ه،ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن =تفسیر البغوی. تحقیق: عبدالرزاق الهدی. ج۲. اول. بیروت: دار إحیاء التراث العربی. ص۴۹۸

همانطوریکه اروپایی ها شناخته‌اند- دشمنی نبوده؛ بلکه برادری و مواخات است، علم، دین را تأیید و تصدیق می‌کند و دین و ایمان، علم را مبارک می‌گرداند.[۱]

گفتار چهارم: علم و جهل در قرآن‌کریم

نقد جهل: زمانی‌که قرآن، علم و علما را تمجید می‌کند؛ پس درنقطه مقابل جهل و جاهلان را نقد و ذم می‌کند: به‌طور مثال عقیده جاهلی را ذم می‌کند: { یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة } (آل‌عمران، ۱۵۴)ترجمه: «و درباره الله گمان ناحق مانند گمان جاهلیت می‌کردند.» و در برخی موارد قرآن‌کریم انسان را به دوری از جهل دستور می‌دهد. { خذ العفو وأمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین} (اعراف، ۱۹۹) ترجمه: «(باوجود بی‌ادبی مشرکین، ادب دعوت را رعایت کن و) عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان اعراض کن.»

مظاهر جهل

مزاح در جای جدیت: خداوند متعال می‌فرماید: { إن الله یأمرکم أن تذبحوا بقرة قالوا أتتخذنا هزوا قال أعوذ بالله أن أکون من الجاهلین }(بقره، ۶۷) ترجمه: «البته الله به شما دستور می‌دهد تا گاوی را ذبح کنید گفتند: آیا مارا مورد استهزاء قرار می دهی؟ موسی گفت: پناه می‌برم ازاینکه از جاهلان باشم.» موسی ع را بنی‌اسرائیل در مورد کشتن گاو تهمت به شوخی و مزاح کردن، زده بودند؛ درحالیکه از دستور خداوند سخن می گفت، به لفظ ان موکد " ان الله یأمرکم " موسی با قاطعیت ایشان را رد نموده؛ که اینچنین چیزی از جاهلی سر می‌زند که از مقام پروردگارش ناآگاه باشد و قدر اورا بجا نیاورد و موسی به خداوند پناه می‌برد ازاینکه چنین شخص باشد.[۲]

---

[۱] . یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. صص۹۵-۹۶

[۲] . یوسف، القرضاوی. العقل و العلم فی القرآن الکریم. ص۱۳۱

مبحث دوم: علم جدید در قرآن‌کریم

گفتار اول: تعریف علم جدید

تعریف علم جدید: علم مدرن(علم جدید) دانشـــی اســـت که از لحاظ تاریخی با دو خط فکری که از دکارت و بیکن شـروع می‌شـود و در کانت به نقطه‌ی عطف و اوج خود می‌رسـد درحقیقت بعداز ایمانوئل کانت اسـت که دانش علمی مبتنی بر موضـوع و روش خود به انواع مختلف تقسـیم‌بندی می‌شـود و دسـتگاه معرفت جدید به وجود می‌آید که مبتنی بر تجربه و اصـالت ذهن خود بشـر برای درک مسـئله می‌باشـد و همه چیز را در همین دنیا می‌نگرد. بنابراین می‌توانیم دانش علمی را دانشی بگوییم که بتواند سطح ظهور و بروز عالم را به لحاظ کمی و کیفی بازگشایی نظری و عملی کند.[۱]

گفتار دوم: ارتباط قرآن‌کریم با پیشرفت علمی

قرآن‌کریم به عنوان انگیزه برای کشـف و تحقیق: تمدن اسـلامی تنظیمی اسـت که بر عقیده اسـلامی اسـتوار بوده؛ و جامعه‌ی بی‌نظیری را پایه‌گذاری کرده اسـت. این تمدن که قرآن درآن اصـــل اســـت تغییرات بزرگی را در جامعه عربی به‌صـــورت خاص و در جهان به‌صـورت عام ایجاد کرده اسـت. دانشـمندان مسـلمان بر تمدن جدید نقش بزرگ و تأثیری آشکاری داشتند آنها تحقیقات علمی‌ای دارند که پایه و اساس علوم شناخته می‌شود این از برکت قرآن‌کریم اسـت که دروازه علم را باز کرده اسـت. روش های علمی رنسـانس در غرب ازآن متأثر شـد، مؤسـس و پایه‌گذار آن در اصـل دانشـمندان مسـلمان بوده اند. از دانشـــمندانی که در علوم دینی، ادبی و مادی ازآنها نام برد قرار ذیل اند: امامان چهارگانه فقه، بخاری، کندی، طبری، فارابی، ابن‌سـینا، بیرونی، غزالی، ابن‌رشـد، إبن طفیل و ابن خلدون.

---

[۱] . گلاب شاه، امانی. (۲۰۲۱م). تأمل انتقادی بر مفهوم علم مدرن. کابل: فصلنامه علمی–پژوهشی ۀنا ۵. ص۲

تأثیر قرآن‌کریم در حوزه عقیده: قرآن‌کریم تأثیر بزرگی در بخش عقلی داشته؛ که در دعوت نمودن اش به ایمان به خداوند متعال و صفات او، روشی را انتخاب کرده است که عقل را به جوش وخروش می آورد و آن روش؛ روشـی نگریسـتن به کائنات و ظاهر آن اسـت. آنجا که می‌فرماید: { أولم ینظروا فی ملکوت السـماوات والأرض وما خلق الله من شیء } (اعراف، ۱۸۵) ترجمه: «آیا در ملکوت آسمانها و زمین و چیزهایی دیگری که الله آفریده اسـت(عقلمندانه) نظر نکردند؟» و همچنان: { أولم یر الذین کفروا أن السـماوات والأرض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شـیء حی أفلا یؤمنون} (انبیاء، ۳۰)ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین(ابتدا باهم) چسبیده و متصل بودند باز آن دو را ازهم جدا کردیم و هر چیزی زنده را از آب آفریدیم آیا(به وحدانیت من) ایمان نمی‌آورند؟» نویسـنده دراین زمینه برخی از آیات و احادیثی را ذکر می کند و سـپس نتیجه می گیرد و می گوید: این حدیث و آیات عقل را بر نظر کردن بر هسـتی و بر اسـرار و قضـایای علمی بر می‌انگیزد این آیات تأثیری در رشـد عقلی و در انقلاب هولناکی که در عرصه‌ی پیشرفت علمی رونما شده است، دارد. این فقط از فضل نظر و تفکر و تدبر که در قرآن‌کریم به آن دستور داده شده است، می‌باشد. قرآنی که شگفتی هایش به پایان نرسیده و عظمتش به انتها نرسیده است.

تأثیر قرآن‌کریم در بخش علم فلک: قرآن‌کریم در چندین آیاتی به بسـیاری از ظواهر فلکی به تفکر در هستی و قدرت خالق فرا می‌خواند.: { والشمس تجری لمستقر لها ذالك تقدیر العزیز العلیم والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم لا الشـمس ینبغی لها أن تدرك القمر و لا اللیل سـابق النهار و کل فی فلك یسـبحون (یس، ۳۸_ ۴۰)ترجمه: «و آفتاب به‌سوی(مسیر) قرارگاه اش روان است این اندازه‌گیری و تعین الله غالب و دانا است و برای ماه نیز منزلهای تعیین کرده‌ایم که (پس از طی کردن آنها) چون شاخه‌ی خشکیده کهنه خرما باز گردد. نه آفتاب را سزا است که به ماه رسد و نه شب را توان سبقت جستن از روز است. و هر یک در مسیر خود شناوراند.» و همچنان: { و السماء ذات البروج و الیوم

الموعود}(بروج،۱ـ۲) ترجمه: «قسم به آسمانی که دارای برج ها است و قسم به روز موعود(روز قیامت)» و {و السماء و الطارق و ما أدراك مالطارق النجم الثاقب(طارق، ۱ـ۳) ترجمه: «قسم به آسمان و قسم به طارق(یعنی ستاره ظاهر شونده درشب) تو چه می‌دانی که طارق چیست؟آن ستاره درخشنده است.» زمانی که مسلمانان متوجه ظواهر آیات قرآن‌کریم می‌شوند(و تلاش های علمای مسلمان در حوزه فلکیات بروز پیدا می کند) و تلاش‌های شان تاثیر فوق العاده ای در بعد اختراع و اکتشاف میکند. ازجمله:

اسطرلاب که منسوب به ابوعیسی اسطرلابی است کسی که اساسات تلسکوپ را که بعد از قرن نوزدهم میلادی شناخته شده است؛ بنیانگذاری کرد.

جدولهای ریاضی که خوارزمی مؤسس آن است.

مزوله که تاریخ آن‌را از عرب‌ها معرفی کرده است و آن درحقیقت ساعتی است که بر سایه آفتاب برای شناسایی وقت استفاده می‌شود.

مراصد که آن چیزی است که برای رصد و حرکت آفتاب ساخته شده است.[۱]

گفتار سوم: تفسیرهای متفاوت آیات علمی قرآن‌کریم:

نقد تفسیرهای نادرست آیات علمی قرآن‌کریم:

اشرف علی تهانوی رح در کتاب الانتباهات المفیده ذکر می‌کند: "اما مفسده دومی که درباره قرآن‌کریم به میان آمده است این است که برخی می‌خواهند اثبات کنند که قرآن‌کریم مسائل علوم طبیعی جدید را نیز دربر گرفته است همانطوریکه در جریده‌ها و مجلات مشاهده می‌کنیم، هر زمانی‌که اکتشافی جدیدی از اروپایی‌ها نشر می‌شود، برخی ها آنرا یکی از مفاهیم و مدلولات یکی از آیات قرآن‌کریم دانسته؛ و این کار را خیرخواهی به اسلام و کرامت قرآن و نشانه ذکاوت خود می‌دانند که بسیاری از اهل‌علم به

[۱] . عبدالغفور، القیسی. العلم و العلماء فی القرآن الکریم. صص۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۴ و۱۸۸

این مفسده گرفتار شده اند." تهانوی رح براین باور است که این مفسده مفاسدی بزرگتری را درپی داشته؛ و مفاسد را اینگونه برمی‌شمارد:

آنها شاملیت قرآن بر مسائل علوم طبیعی جدید را کمال و افتخار قرآن می‌دانند و سبب آن این‌است که آنها به موضوع قرآن توجه ندارند درحالیکه قرآن‌کریم نه کتاب طبیعت است و نه کتاب تاریخ و جغرافیه؛ بلکه کتاب اصلاح ارواح است. همان‌طوریکه نبودن مسائل بافندگی و کفاشی در طب از جایگاه آن نمی‌کاهد؛ بلکه نشان کمال و فضل آن است. همچنان قرآن‌کریم کتابی در طب روحانی است و خالی بودنش ازاین مباحث و مسائل سبب نقص آن نبوده؛ بلکه نشان دهنده کمال و فضل آن است. و اگر در قرآن‌کریم ازاین مسائل ذکری رفته؛ آن به‌خاطر تکمیل برآورده ساختن حاجتی بوده و به قدری ضرورت ذکر شده است. خداوند متعال در برخی از جاهای قرآن‌کریم از خلقت آسمانها و زمین و انسان‌ها و جنیات و غیر این مسائل به‌صورت اجمال ذکر کرده است؛ چون آسان‌ترین و نزدیک‌ترین راه اثبات توحید- که آن بزرگترین مقدمه‌ی اصلاح ارواح است -استدلال به مصنوعات است. بنابراین آنها را به‌صورت تفصیل ذکر نکرده است چون نیازی به تفصیل آن‌ها نیست، پس مسائل علوم جدید ازجمله مقاصد قرآن‌کریم محسوب نمی‌شود.

مفسده اول: قسمی که قبلا اشاره شد که مسائل مذکور از مقاصد قرآن‌کریم نبوده؛ بلکه از مقدمات آن است، واضح است که استدلال بر مقدمات زمانی صحیح می‌شود که یکی از امور ذیل موجود باشد:

مقدمات مذکور پیش از اثبات دعوا در نزد مخاطب مقبول و مسلّم باشد.

یا بدیهی باشد.

و یا ثابت به دلیل باشد تا مخاطب به آن اعتراف کند. حالا اگر اکتشافات جدید، مدلولات قرآن باشد پس مخاطب اول قرآن(عرب اول) ازاین اکتشافات جاهل بودند پس

اســتدلال، به مقدمات غیرصــالح لازم می‌آید زیراکه این مقدمات در نزد مخاطب مســلّم نبوده؛ و همچنان بدیهی و ثابت به دلیل هم نیست.

مفســده دوم: بســااوقات این دراســات و تحقیقات علمی رد می‌شــود پس اگر آن‌ها را مدلولات قرآن‌کریم بدانیم و بدان اعتراف کنیم و در تفاســیرمان درج کنیم پس بطلان آن ثابت شــود این برای هر ملحد فرصــت می‌دهد؛ تا بر اســلام بتازد و بگوید: این قســمتی از قرآن درست نیست؛ پس ارتفاع جزء، مستلزم ارتفاع کل است، بناء قرآن صادق نمی‌باشد. مصیبت بزرگتر ازاین کو؟

مفسده سوم: مسلمانان در جواب سوال فیلسوفان کفار اروپا چه می‌گویند؟ هنگامی‌که آنها بگویند: از نزول قرآن مدتها گذشت که قرآن را حتی پیامبر مسلمانان هم نفهمید پس این احسان بزرگ ما بر مسلمانان است که تفسیر کتاب شان را به‌وسیله‌ی تحقیقات ما فهمیدند. آیا این با غیرت مسلمانان درتضاد نیست؟[1]

تفسیر درست آیات علمی قرآن‌کریم:

عبدالرئوف مخلص در کتاب تجلی قرآن در عصــر علم به نقل از ســید قطب شــهید می‌فرماید: بدون شک قرآن کتاب هدایت انسان است. قرآن برای رسیدن به این هدف، درصدد ایجاد جهان‌بینی خاص، نظام خاص و جامعه خاص است. و درصدد ایجاد امتی در روی زمین است که نقش ویژه‌ی خود را در رهبری بشریت به‌سوی شاهراه حق، خیر و فضــیلت برعهده گرفته، و الگوی خاص را از جامعه انســانی که در مکتب‌های نظام‌های بشری تکرار ناشده است به‌وجود بیاورد. بنابراین هدف اصلی قرآن‌کریم علوم و معارف هستی نبوده؛ و اعجاز علمی قرآن نیز تمام ابعاد اعجازی قرآن را شامل نمی‌شود به‌همین خاطر قرآن نازل نشــده اســت تا از نجوم و طب و کیمیا بحث کند. همان‌طوریکه برخی از هواداران قرآن‌کریم توقع دارند و یا درمقابل دشــمنان قرآن با گمان غلط خود قرآن را

---

[1] . اشرف علی، تهانوی. (۱۴۱۱ه،ق). الإنتباهات المفیدۀ فی حل الإشتباهات الجدیدۀ. مترجم: نورالبشر محمد نورالحق. اول. کراچی: مکتبۀ جامعۀ دارالعلوم کراتشی، صص۱۲۶– ۱۲۷

درسنگ مقابل خود قرار می‌دهند. یقینا هر دو نوع تلاش دراین زمینه هم از سوی دوستان و هم از سوی دشمنان نشان دهنده فهم غلط از طبیعت این کتاب و ماموریت اصلی آن است.

پس موضوع اصلی قرآن‌کریم "خود انسان" است وظیفه‌ی قرآن این است تا چارچوب‌های اساسی یک جهان‌بینی کلی از نظام هستی و رابطه آن با آفریدگار را پی‌ریزی کند و جایگاه انسان دراین میان را معرفی کند. آنگاه قرآن برنامه‌ای را برای زندگی به‌وجود آورده که به انسان فرصت دهد تا تمام نیروها و توانمندی‌های خود و ازجمله توانمندی عقلی و علمی اش را در عرصه‌ی شناخت هستی به‌کار اندازد و در همان حدود و چارچوبی که برایش تعیین شده است، به بحث و بررسی، کاوش و پژوهش، تحقیق و تفسیر و تجربه و تطبیق پرداخته و به آن نتایج و باورهای که می‌تواند برسد، برسد. پس اگر قرآن به عرصه‌های علم می‌رود تا کلیدهای اصلی مفاهیم کلی در عرصه‌ی علوم کونی و تجربی را به‌دست انسان بدهد، درواقع خود این امر ، حرکتی در راستای هدفمندی یاد شده است. بنابراین موضوع محور قرآن" خود انسان " است. دیدگاه‌ها و باورمندیها، مشاعر و ادراکات، روش‌ها و رفتارها، روابط و علایق انسان. اما علوم مادی و نوآوری در جهان ماده با ابزارها و راهکارهای مختلف آن به عقل و تجارب، اکتشافات و فرضیات و نظریات انسان سپرده شده است، تا خود او دراین عرصه، منطبق با توانمندی‌های خویش به پیش بتازد.[۱]

گفتار چهارم: آیات و نشانه‌های علمی قرآن‌کریم

مطلب اول: جنین‌شناسی در قرآن

مراحل خلقت انسان از نظر قرآن‌کریم و علم جنین‌شناسی: الله متعال می‌فرماید: ﴿ و لقد خلقنا الإنسان من سلالهٔ من طین ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین ثم خلقنا النطفهٔ علقهٔ

[۱] . عبدالرئوف، مخلص.(۱۳۹۵ه، ش). تجلی قرآن در عصر علم.[نسخه الکترونیکی] صص۲۲-۲۴

فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارک الله أحسن الخالقین }(مؤمنون،۱۲-۱۴) ترجمه: «البته انسان(آدم) را از خلاصه‌ی از گل آفریدیم باز او را (آدم را به اعتبار نسل وی) نطفه‌ی در قرارگاه استوار و محفوظ (رحم) قرار دادیم. باز آن نطفه را به خون بسته تبدیل کردیم پس آن خون بسته را به‌صورت پاره گوشت درآوردیم پس آن پاره گوشت را استخوان‌ها ساختیم پس ازآن استخوان‌ها با گوشت پوشاندیم باز او را به آفرینش دیگر(انسان زنده) آفریدیم پس بسیار بزرگ است الله بهترین آفرینندگان.»

مرحله اول: خمیرمایه انسان یا مرحله گِلی: قرآن‌کریم خمیرمایه انسان را از گل معرفی می‌کند.[۱] چنانکه در آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی رحمن ارشاد می‌فرماید: {خلق الإنسان من صلصال کالفخار } (رحمن، ۱۴) ترجمه: «انسان(آدم) را از گل خشک مانند سفال آفرید.» سید قطب می‌نویسد: صلصال، گلی را گویند خشک شود و وقتی که بدان تلنگر زده شود صدا و طنین داشته باشد.[۲] دانشمندان جدید این گل را به آزمایشگاه جهت آزمایش بردند تا بدانند که این گل از چه عناصری تشکیل شده است آنها در نتیجه آزمایشگاهی فهمیدند که گل از هژده عنصر تشکیل شده است سپس جسم انسان را مورد آزمایش قرار دادند مشاهده کردند که جسم انسان نیز متشکل از همین عناصر هژده گانه می‌باشد.[۳] آن عناصر هژده گانه را سید قطب اینگونه برمی‌شمارد؛ کاربن، اکسیجن، هیدروجن، فسفر، گوگرد، ازت، کلسیم، پتاسیم، سودیم، کلر، منیزیم، آهن، منگنز، مس، ید، فلور، کیالت، روی، سیلیکون و المونیم. هرچند این عناصر در انسانی و انسان دیگری و در انسان و در خاک ازهم فرق دارد؛ ولی انواع و اقسام آنها یکی است. [۴]

---

[۱] . عبدالرئوف، مخلص. تجلی قرآن در عصر علم. ۱۴۶

[۲] . سید، قطب. (۱۳۸۷ه، ش). فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرمدل. ج۶. ص۱۴۰

[۳] عبدالرئوف، مخلص. تجلی قرآن در عصر علم. ص۱۴۷

[۴] . سید، قطب. فی‌ظلال القرآن. ج۶. ص۱۴۰

مرحله دوم: مرحله نطفه: از نظر زیستی، سلولی که از یکجا شدن تخمک و اسپرم به‌دست می‌آید سلول تخم نام دارد در مدت دو روز بعد از بارداری این سلول سفر خود را از راه لوله حمل تخمک شروع می‌کند در همین زمان سلول تخم چندین بار تقسیم می‌گردد تا مجموعه‌ای از سلول‌ها به‌نام مورولا حاصل می‌گردد. این مجموعه بعد از پنج الی هفت روز به رحم رسیده و خود را در آندومتر به‌صورت امن جای داده و رشد می‌کند و ازاین به‌بعد بارداری تثبیت می‌گردد و این همان موضوعی است که قرآن آن را قرارمکین نام‌گذاری کرده است.[1] و همچنان جای آن را در پشت پدر و سینه‌ی مادر می‌داند: { فلینظر الإنسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج من بین الصلب و الترائب } (طارق،۵-۷) ترجمه: «پس باید انسان بنگرد که از چه چیزی آفریده شده است از آب(منی) زودریزنده آفریده است از میان استخوان پشت(مرد) و استخوان سینه(زن) بیرون می‌شود.» انسان از آب جهنده ی خلق شده است که از صلب مرد و میان استخوان‌های سینه‌ی زن بیرون می‌آید قرآن آشیانه آب منی مرد و نطفه زن را معرفی کرده است. صلب، استخوان‌های فقاری پشت مرد و ترائب استخوان‌های بالای (علوی) سینه‌ی زن است. و این رازی است که در خزانه علم خداوند متعال مخفی بود و بشر در قرن بیستم به‌آن پی‌برد.[2]

مرحله سوم علقه: علقه از روز پانزدهم تا روز بیست و چهارم جنینی است. دراین مرحله جنین توسط بند ناف به جدار رحم، متصل می‌شود خون در رگها به‌صورت جزیره‌های خونی تشکیل شده؛ و جنین شکل شبیه لخته خون را می‌گیرد.[3] پروفیسور کانادایی کیت ل. مور، رئیس بخش تشریح جنین در دانشگاه تورنتوی کانادا و رئیس

---

[1] . زین العابدین، اکبری. (۱۳۹۷ه،ش). اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت انسان.[نسخه الکترونیکی]. ص۴

[2] . عبدالرئوف، مخلص. تجلی‌قرآن در عصر علم. ص۱۴۹

[3] . زین العابدین، اکبری. اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت انسان. ص۵

اتحادیه‌ی دانشمندان جنین‌شناسی آمریکا و کانادا می‌گوید: هنگام رشد و نموی جنین در شکم مادر شکل آن شبیه علقه یا کرم است؛ زیرا توسط اشعه از مرحله ی ابتدایی پیدایش جنین تصویربرداری کردند و این تصویر را در کنار علقه قرار دادند مشخص شد که هردو تصویر باهم شباهت دارد. و چون به پروفیسور کانادایی موصوف گفته شد که علقه در زبان عربی خون بسته را گفته می‌شود، پروفیسور با تعجب گفت: قرآن تنها شکل خارجی جنین نه؛ بلکه تکوین داخلی جنین را هم توصیف کرده است. زیرا خون در مرحله‌ی علقه در عروق بسیار نازک جنین حبس شده و بالآخره به شکل خون بسته تبدیل می‌شود. باتوجه به اینکه علقه اولین مرحله‌ای است که نطفه که استعداد انسان شدن را دارد، وارد مرحله شکل یافته‌ی می‌شود؛ بنابراین در آیات و احادیث موضوع انسان از علقه مطرح می‌شود.[۱]

مرحله‌ی چهارم مرحله مضغه: قرآن‌کریم پس از بیان مرحله علقه به بیان مرحله مضغه می‌پردازد یعنی لخته گوشت مانندی که قوام پیدا کرده و مانند گوشت جویده شده است که علت نام‌گذاری در قرآن شکل آن است.[۲] مخلص می نویسد: جنین در روزهای بیست و چهارم تا بیست و ششم جنینی وارد مرحله‌ی مضغه می‌شود. وی به نقل از شیخ محمد متولی شعراوی که در کتاب الادله المادیه علی وجود الله نوشته است، می‌فرماید: دانشمندان تصویر اشعه ای را که از مرحله‌ی مضغه گرفته شده با تصویر توته ی از خشت خام، یا خاک عجین شده مقابله کردند دیدند که تصویر هردو شکل تماما یکی است. قرآن‌کریم نه‌تنها به توصیف شکل خارجی جنین اکتفا نکرده؛ بلکه تکوین و ساختار درونی او را نیز بیان کرده است. دانشمندان پاره‌ی گوشت جنین را را که طول آن یک سانتیمتر بود از شکم مادر خارج کرده و در زیر میکروسکوپ مشاهده نمودند مشخص شد که برخی از

---

[۱] . عبدالرئوف، مخلص. تجلی قرآن در عصر علم. ص ۱۵۰

[۲] . زین العابدین، اکبری. اعجاز علمی قران در مراحل خلقت انسان. صص ۵-۶

سیستم داخلی وجود جنین درحال ساخته شدن و بعضی درحال ساختار ابتدایی هستند.[۱] مرحله‌ی مضغه از مراحلی است که جنین قابلیت دریافت صورت انسانی و ادامه تبدیل شدن به یک انسان کامل را دارد. چه بسا جنینی اینچنین قابلیت را نداشته و در نهایت سقط می‌کند و یا به‌صورت انسان ناقص الخلقه تولد می‌شود.

مرحله پنجم مرحله عظام یا رشد استخوان‌ها: مرحله تکامل انسانی در قرآن‌کریم شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشاندن آنها با گوشت است. در طی هفته چهارم در جنین قطعه‌های به‌نام سوماتیت به‌وجود می‌آیند که ازاین نواحی، قسمت وسیعی از اسکلت استخوانی و عضلانی بدن شکل خواهد گرفت. و رشد اجزای ابتدایی تا پایان هفته شانزدهم، یعنی حدود چهارماهگی سیر تکاملی خود را طی می‌کند. [۲]

مرحله ششم مرحله پوشاندن استخوان‌ها توسط گوشت: سید قطب در ذیل آیات فوق می‌نویسد: اینجاست که آدمی در برابر کشفی که قرآن ازآن پرده برافگنده است حیران می‌شود که با این دقت شناخته نشده بود؛ مگر دراین اواخر بعد از پیشرفت علم جنین‌شناسی تشریحی. و آن این‌است که سلول‌های استخوان‌ها غیر از سلول‌های گوشت است و ثابت شده است که اولا سلول‌های استخوانی شکل می‌گیرد و بعدا سلول‌های عضلانی شکل می‌گیرد.[۳]

مرحله هفتم مرحله خلقت دیگر به تعبیر قرآن یا مرحله دمیدن روح:

باز سید قطب می‌گوید: انسان این است با ویژگی‌های جداگانه و خاص خویش. جنین انسان مانند جنین حیوان در مراحل رشد بدن خود رشد می‌کند؛ ولی جنین انسان به مخلوق جداگانه‌ای تبدیل می‌شود و به مخلوقی تحول پیدا می‌کند که ظرفیت ترقی و تعالی را دارد درحالیکه جنین حیوان در مرتبه‌ی حیوانیت باقی می‌ماند. و از ویژگی‌های ترقی و تعالی و

---

[۱] . عبد الرئوف، مخلص. تجلی قرآن در عصر علم. صص ۱۵۰-۱۵۱

[۲] . زین العابدین، اکبری. اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت انسان. صص ۶-۷

[۳] . سید، قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرمدل. ج۴. ص ۷۳۰

کمال که جنین انسان بدانها ممتاز است بی‌نصیب می‌ماند. جنین انسان از امتیازاتی بهره‌مند است که بعدها اورا در مسیر بشری رهنمون می‌شوند جنین انسان در آخرین مراحل جنینی خود خلقت دیگری دریافت می کند درصـــورتی که جنین حیوان در مرحله‌ی حیوانی باز می‌ایستد، چون ازآن ویژگی‌ها بی‌بهره است به‌همین سبب نمی‌تواند از مرحله حیوانی خود گامی جلوتر بگذارد و به مرتبه انســان تغییر حالت دهد- همان‌گونه که نظریه‌های مادی می گویند- چون حیوان و انسـان دونوع مختلف اند. این دونوع با نفخه که در انسـان دمیده شـــده و از عصـــاره‌ی گل، انســان گردیده ازهم متفاوت اند گذشـــته از نفخه‌ی ربانی، خصوصیاتی که آن نفخه با خود حمل کرده و در روشنایی آن جنین انسان خلقت دیگری پیدا کرده، این دونوع کاملا از یکدیگر جدا گردیده اند. ســپس ســید قطب آیه را تکمیل کرده و تفســیر می کند: { فتبارك الله أحســن الخالقين } والا مقام خدایی اســت که در فطرت انسان قدرتی را سرشته است که بتواند دراین مراحل حرکت کند برابر قانون و سنت الهی‌ای که دگرگون و منحرف نمی‌شود، تا انسان را می‌رساند به مرتبه‌ای از مراتب کمال بشری که که برای او با دقیق‌ترین نظام تقدیر و تعیین نموده است.[1]

مطلب دوم: دواشناسی در قرآن کریم

خرما و فواید آن از نظر قرآن و طب: خداوند متعال در ســوره‌ی مریم، آیات ۲۵ -۲۶ می‌فرماید: { و هزی إليك بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا فكلي واشربی و قری عينا } (مریم،۲۵-۲۶)ترجمه: «و تنه درخت خرما را به‌ســوی خود بجنبان که بر تو خرمای تازه چیده شـــده می ریزاند. پس بخور و بنوش وچشـــم را آســـوده دار.» آیه‌ی مبارکه‌ی فوق خطاب به مریم مادرعیسی ع است که هنگام ولادت از مردم فاصله گرفته؛ و دور از شـهر می‌رود تا وضـع حمل نماید. رطب، میوه درخت خرما پیش از خرماشـدن اسـت دراین آیه چند نکات علمی وجود دارد (که تا هنوز بشر کشف کرده است).

---

[1] . سید، قطب. همان اثر. ج۴. ص ۷۳۰

رطب دارای میزان بالایی از مواد کاربوهایدات بوده و مواد قندی آن ۷۵ فیصد می‌رسد بدن با اســتفاده ازآن انرژی و گرمای بالای را تولید می‌کند و همچنان میزان بالایی از پروتئین، ویتامین و املاح معدنی دارد که بدن به آن نیاز دارد و بدن را گرم و شـاداب نگه می‌دارد. وضــعیتی روحی زن هنگام ولادت تأثیر روی راحتی و ســختی ولادت دارد اگر راحت باشد و مشکلی نداشته باشد عمل ولادت را به آسانی انجام می‌دهد.

تناول خرما هنگام ولادت: درِ رحِم قبل از ولادت دوونیم ســانتیمتر مکعب بوده و در هنگام زایش بیشـتر از هفت صـدو پنجاه سـانتیمتر می‌گردد در خرما موادی اسـت که سـبب انبسـاط و فراخ شـدن درِ رحِم شـده و عملیه ولادت را آسـان می‌سـازد. و همچنان درخرما ماده‌ی به نام اکسی توسین وجود دارد که منحیث یک دوا در طبابت برای تسریع ولادت استفاده می‌شود. برعلاوه این ماده سبب تکثیر تولید شیر مادر می‌گردد اکسی توسین، یک هورمونی اســت که از یک غده موجود در وســط دماغ به‌نام نخامیه افراز می‌شــود این هورمون سبب به‌وجود آمدن تقلصات درِ رحِم مادر شده و طفل را به بیرون می‌راند. اکسی توسین در خرما به تنهایی اعجاز علمی قرآن‌کریم و ارزش این میوه را ثابت می‌کند.[1]

مطلب سوم: اثر انگشت

خداوند متعال می‌فرماید: { لا أقســم بیوم القیمهٔ و لا أقســم بالنفس اللوامهٔ أیحســب الإنســان أن لن نجمع عظامه بلی قادرین علی أن نســوی بنانه } (قیامه،۱-۴) ترجمه: «قســم می‌خورم به روز قیامت و قسم می‌خورم به نفس ملامت کننده(و پشیمان شونده) آیا انسان گمـان می‌کنـد کـه اســتخوان‌هـایش را جمع نخواهیم کرد؟ بلی(چنین خواهیم کرد) درحالیکه قادریم برآن(حتی) سـر انگشـتان اورا(هم) برابر سـازیم.» درباره اثر انگشـت چی میدانید؟ دانشـمندان کشـف کردند که دوقلوهای یکسـان که از هر جهت شـبیه هم هستند اثر انگشتشان یکسان نمی‌باشد. در آمریکا ۹۰ میلیون نفر را مورد آزمایش قرار دادند؛ حتی اثر

---

[1] . استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی- پوهنتون بلخ. (۱۳۹۸ه، ش). قرآن و تکنالوژی معاصر. اول. مزارشریف: انتشارات آریانا، صص۷۵-۷۷

انگشت دونفر هم شبیه هم نبود و اگر تمام انسان‌ها از اولین انسان تا آخرین انسان را هم که آزمایش کنند احتمال اینکه اثر انگشت دونفر با هم یکسان باشد ناممکن است. جالب‌تر ازآن اینکه اگر دست شخصی در اثر حادثه‌ی قطع شده باشد و دست انسانی دیگری را به آن پیوند داده شود به‌شکل حیرت‌انگیزی خواهید دید که بعداز مدتی پوست‌اندازی که دوماه طول می‌کشد اثر انگشت قبلی خود شخص به انگشتانش انتقال پیدا می‌کند. انگشت‌نگاری هم دراین قرن مورد استفاده پولیس قرار گرفته است که برای شناسایی مجرم استفاده می‌شود. خداوند در این آیه به منکران معاد می‌گوید: که آیا فکر می‌کنید که ما نمی‌توانیم شما را دوباره زنده کنیم بلی ما می‌توانیم بلکه تواناتر از آنیم که انگشت دستان شما را برابر بسازیم. چون کافران زمان پیامبر ص این آیات را می‌شنیدند تمسخر می‌کردند که خداوند چرا نشانه‌های دیگری انسان را بیان نکرده مثل رنگ چشم یا نوع موی سر و نشانه‌های دیگر و چرا خطوط سرانگشتان را ذکر کرده است؟ ولی امروز که اهمیت آن روشن شده است.[1]

مطلب چهارم: آغاز آفرینش

قرآن‌کریم درباره آغاز و ماده اصلی دنیای مادی نظریه‌ی معین و روشنی را مطرح کرده است نظریه‌ی که انسان عصر حاضر تا یک قرن قبل کمترین شناختی ازآن نداشته است. اما درمورد انسان قدیم می‌توان گفت: که راهیافتن به این نظریه یا در بخش‌های این نظریه در عقل قابل تصور نبوده است. بلی علم جدید آمده است تا بر این جنبه‌ی از اعجاز قرآن‌کریم نیز گواه باشد. قرآن‌کریم در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی انبیا درباره آغاز آفرینش دنیا می‌گوید: { أولم یر الذین کفروا أن السماوات والأرض کانتا رتقا ففتقناهما } (انبیاء، ۳۰) ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین (ابتدا باهم) چسبیده و متصل بودند باز آن دو را ازهم جدا کردیم» همچنان در آیه‌ی مبارکه‌ی ۱۰۴ همین سوره دررابطه با پایان یافتن

[1]. عبدالله، راه راستین. چکیده‌ای از اعجاز علمی قرآن و سنت [نسخه الکترونیکی] صص ۲۰-۲۲

کار دنیای مادی می گوید: { یوم نطوی السـماء کطی السـجل للکتب کما بدأنا أول خلق نعیده} (انبیاء، ۱۰۴) ترجمه: «روزی که آسمان را مانند پیچیدن صفحه نوشته شده کتاب‌ها می پیچیم طوری که بار اول آفرینش را آغاز کردیم. (باردیگر) آن را بازمی گردانیم.» بنابر تفسیری که این آیات ارائه می‌دهند جهان هستی در آغاز کار بسیار فشرده و متراکم بوده؛ و پس‌ازآن مرحله‌ی اولیه عملیه توسعه و امتداد آن در فضا آغاز شده است لیکن باوجود این توسعه و امتداد جمع کردن و فشرده ساختن آن در محدوده‌ی کوچك مکانی ممکن و حتی حتمی و قطعی است. حالا می‌بینیم که علم جدید درباره نظریه‌ی مطرح شده فوق چی می گوید؟

دانشمندان علوم طبیعی در روند بررسی‌ها و مشاهدات خود پیرامون پدیده‌های هستی به این نتیجه رسیده‌اند که ماده در آغاز آفرینش، جامد و ساکن بوده است و همچنان ماده شکل گاز مشتعل بسیار شدیدی که رونما گردیده به توسعه و امتداد در پیرامون خویش آغاز نموده است. بنابراین تمدد ماده یك امر حتمی بوده است و براساس این قانون طبیعت که می گوید: نیروی جاذبه در اجزای ماده به سبب دورشدن آن اجزاء از یکدیگر تدریجا کم می‌شود و هم ازاین روی، مسافت میان آنها نیز به نحو قابل ملاحظه‌ای زیادتر گردیده و این مسافت توسعه میابد این تمدد و گسترش هنوز ادامه دارد. دایره‌ی ماده در آغاز امر، حدود ۱۰۰۰ میلیون سال نوری وسعت داشته است که این دایره هم‌اکنون نسبت به دایره‌ی اولیه‌ی آن، بیش از ده برابر توسعه یافته و این عملیه بی‌هیچ توقفی ادامه دارد.

مطلب پنجم: ماده اصلی آفرینش

در بعد دیگر این نظریه ملاحظه می کنیم که قرآن کریم عنصر اصلی تشکیل دهنده‌ی ماده را که اساس و قوام آفرینش هستی گردیده و سپس به عملیه(توسعه) پیوسته است عنصر(دخان) می‌دانند از نظر قرآن کریم، دخان یا دود و گاز متراکم، عنصر تشکیل دهنده‌ی هسته‌ی ماده ابتدایی است. قرآن کریم در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مبارکه‌ی فصلت می‌فرماید: {ثم استوی إلی السـماء و هی دخان فقال لها و للأرض إئتیا طوعا و کرها قالتا

أتینا طائعین } (فصـــلـت، ۱۱) ترجمه: «باز قصـــد آســـمان را کرد درحالیکه دود بود و به آسمان و زمین فرمود: با رغبت یا کراهت(شکل گرفته) بیایید گفتند: فرمانبردار آمدیم»

اکنون ببینیم که نظر علم جدید در این باره چیست؟

دقیقترین نظریه‌ی که علم جدید دررابطه با عنصر اصلی تشکیل دهنده‌ی ماده‌ی ابتدایی آفرینش که به آن دست یافته است اثبات کننده‌ی این حقیقت است که کائنات در اصل متشکل از عنصر(سودیم) متراکم در فضا بوده است که این ماده بعدا به اجزا و بخش‌های دیگری تقسیم گردیده ، خورشید، ستارگان و زمین با حجم و کمیت‌های جداگانه‌ای خود ازاین اجزاء شکل گرفته است. علم جدید از آغاز دستیابی به این نظریه درتلاش آن بود تا ماهیت واقعی عنصر سودیم را بشناسد و دراین راستا تعاریف چندی برای این عنصر ارائه گردید بعضی از آرای اولیه در تعریف آن گفتند: سودیم گاز مشتعلی است که در درجه‌ی حرارت بالای قرار دارد ولی این ارتفاع حرارت درآن به حدی نمی‌رسد که ماده را به نیرو و انرژی تبدیل کند به‌عبارتی دیگر، می‌توان گفت که این گاز در مرحله‌ی ماقبل اشـــتعال خود قرار دارد. این بررسی‌ها همچنان ادامه یافت و با پیشرفت‌های بعدی ثابت گردید که سودیم درواقع عبارت از مواد سختی است که درحالت گسست کامل قرار گرفته باشد بازهم این نظریات راه خود را به جلو گشود و گشود تا آنکه اخیرا دانشمندان به‌طور قطع به حقیقت سودیم دست یافته و به اتفاق آراء گفتند: سدیم گاز معلقی است که درآن مواد صلب و سختی وجود دارد. بنابراین تنها لفظی که از نظر علمی اطلاق آن براین ماده ممکن اســت، همانا " دخان" می‌باشــد که محتوی گاز و ماده‌ی ســخت مذکور اســت. بناء، این کشف علمی گواه دیگری بر اعجاز علمی قرآن کریم می‌باشد.[1]

[1] . عبدالرئوف، مخلص. تجلی قرآن در عصر علم. صص ۵۳-۵۶

مطلب ششم: اثبات کروی یا مسطح بودن زمین

مراد یوسفی در رساله‌ی "قرآن و علم... تضاد یا تطابق" در شبهه ی شانزدهم که از طرف منکران مطرح شده است، می‌نویسد: آیات ذیل به مسطح بودن زمین به صراحت اشاره دارد: { والأرض بعد ذالك دحها} (نازعات، ۳۰)ترجمه: «و بعد از آن زمین را هموار نمود.» و { و إلی الأرض کیف سطحت} غاشیه، ۲۰) ترجمه: «و(آیا) به طرف زمین (نمی نگرند)که چگونه هموار شده است؟. ازجمله مفسرانی که ازاین آیات مسطح بودن زمین را فهمیده اند صاحب تفسیر جلالین است. و عده‌ای از مفسرانی که براساس نظریه‌ی بطلمیوسی کرویت زمین را می‌دانسته اند از کنار این آیات با زیرکی گذشته اند و آنرا به‌معنای بسط و مسطح بودن قطعات زمین دانسته اند و در داستان ذوالقرنین هم به مسطح بودن زمین اشاره شده است: {فأتبع سببا حتی إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب فی عین حمئة و وجد عندها قوما.....ثم أتبع سببا حتی إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترا} (کهف،۸۵-۹۰) ترجمه: «پس او هم درپی سبب و وسیله افتاد تا آنکه به محل غروب آفتاب رسید آنرا چنین یافت که (گویی) در چشمه‌ی دارای گل سیاه فرو می‌رود و درآن نزدیکی قومی را یافت....باز در پی سبب و وسیله‌ی دیگری افتاد تا اینکه به محل طلوع آفتاب رسید(و) دید که آفتاب بر مردمانی می‌تابد که برای آنها دربرابر تابش آن پوشش و لباسی قرار نداده ایم.» همانطوریکه که می‌بینید قرآن به‌صراحت مطرح کرده که ذوالقرنین در سفرش یکبار به محل مشرق آفتاب و یکبار به محل مغرب آفتاب سفر کرده است. این غلطی آشکار است چون در کره‌ی زمین هیچ محل طلوع و غروب خورشید وجود ندارد. ثانیا یک طلوع و یک غروب درصورت مسطح بودن زمین جور درمی‌آید. و چنانچه قبلا گفتیم غروب خورشید در چشمه‌ی گل‌آلود، لازمه‌ی غروب خورشید در سراسر زمین است و این هم در صورتی درست است که زمین مسطح باشد.

پاسخ شبهه: آیا غلطاندن و گستراندن زمین به‌معنای تخت بودن زمین است؟ ممکن مخالف بگوید: کلمه‌ی"دحی" به‌معنای پهن کردن است نه غلطاندن. بازهم او به مقصدش

نرسد. چون پهن به‌معنای فراخ و عریض است که هیچ اشکالی وارد نمی‌شود؛ چون زمین در عین گردبودن برای ما فراخ هم است؛ زیرا در غیر این‌صورت زندگی درآن امکان‌پذیر نیست. و اما آیه‌ی "و إلی الأرض کیف سطحت" بحث مسطح شدن ذکر نشده است و آیا این به‌معنای سکه شدن و تخت شدن سرتاسر کره‌ی زمین است یا به‌معنای آماده شدن برای زندگی و هموار شدن؟ اگر در فرهنگ لغات ملاحظه‌ای داشته باشیم می‌بینیم که مسطح به‌معنای گسترده، هم می‌آید. ادعای شبهه افگن تعجب‌آور است آیا او رانندگی یا شناوری نکرده است؟ آیا همین به‌معنای گستردگی زمین نیست؟ چرا تمام زمین را مانند توپ والیبال درنظر گرفته است؟ همینک ممکن است یک توپ والیبال برای یک موجود خیلی ریز مثل تک‌سلولی خیلی گسترده باشد آیا می‌شود بگوییم که همان موجود کوچک نمی‌تواند از لفظ گسترده استفاده کند بلی می‌تواند چون برای او گسترده است گرچه برای ما کروی است. درررابطه با داستان ذوالقرنین می‌توانیم بگوییم که درآن روزگاری که مسافرت تنها توسط چهارپایان میسر بود محل طلوع آفتاب به‌معنای مشرق و محل غروب آفتاب به‌معنای مغرب برای جهت‌یابی معرفی گردیده است. آنگونه که از تخیلات شبهه افگن برمی‌آید اگر اشخاص در محل طلوع یا غروب خورشید جلوتر بروند باید از لبه‌ی زمین به سمت پایین پرت شوند؛ درحالیکه چنین چیزی از هیچ منبع اسلامی گرفته نمی‌شود.[1]

[1] . مراد، یوسفی. (۱۳۹۵ ه، ش). قرآن و علم تضاد یا تطابق. [نسخه الکترونیکی] صص۹۲-۹۹

فصل پنجم

نتایج، مناقشه، نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج

از مجموع یافته های تحقیق می توان به این نتایج دست یافت:

- علم به معنای درک حقیقت چیزی و آگاهی از واقعیت‌هاست؛ قرآن، علم را وسیله‌ی هدایت و رسیدن به حقایق و فقه و حکمت معرفی کرده است و نشان می‌دهد که انسان بدون دانش نمی‌تواند مسیر درست زندگی را تشخیص دهد.
- علم از نظر قرآن شامل درجات و مراتب مختلف است؛ از شعور و ادراک ابتدایی تا یقین و احاطه‌ی کامل، که بیانگر رشد تدریجی عقل و روح انسان و تکامل دانش در مسیر تعقل و تدبر است.
- تفاوت علم و معرفت در قرآن روشن شده است؛ معرفت به ذات شی تعلق دارد و پایدار است، در حالی که علم دانستن شیء به صورت اجمالی و به صورت موقت است، و این تفاوت، ارزش تفکر و تعمق در فهم واقعیات را نشان می‌دهد.
- علم انسان محدود و کسبی است و ممکن است دچار خطا شود، اما علم خداوند یقینی، فراگیر و شامل غیب و شاهد است؛ این تفاوت انسان را به تلاش مستمر و تواضع علمی فرا می‌خواند و جایگاه دانش بشری را در مسیر تکامل مشخص می‌کند.

- طلب علم دینی واجب است و قرآن بر اهمیت تفقه و پرسشگری تأکید دارد؛ مراجعه به اهل علم و استفاده از دانش آنان سبب هدایت فرد و جامعه می‌شود و قرآن تقلید کورکورانه و جمود فکری را مردود می‌داند.
- قرآن انسان را به استفاده از ابزارهای درونی و بیرونی کسب علم، مانند عقل، تفکر، فطرت، مشاهده، گوش و چشم، مطالعه، پرسشگری و تجربه دعوت کرده است تا راه‌های صحیح شناخت حقیقت و پرهیز از گمان و ظن را نشان دهد. تجربه، تاریخ، طبیعت و وحی از منابع و ابزارهای الهام‌بخش علم هستند؛ قرآن این منابع را به انسان معرفی می‌کند تا هم از گذشته عبرت گیرد و هم در مشاهده نظام هستی، قدرت و حکمت خداوند را درک کند.
- قرآن روش‌های ارائه علم را با ترکیب زیبایی بیانی و قوت برهانی فراهم کرده است؛ هم دل‌ها را به وجد می‌آورد و هم عقل‌ها را اقناع می‌کند، تا علم تنها نظری نباشد بلکه مسیر عمل و معرفت قلبی نیز باشد.
- علم، فقه و حکمت در قرآن همواره در کنار هم آمده‌اند؛ این ترکیب نشان می‌دهد که دانش واقعی، هم شناخت حقیقت و هم درک احکام عملی را شامل می‌شود، تا انسان بتواند در زندگی فردی و اجتماعی مسیر درست را انتخاب کند.
- در کل، علم در قرآن نه تنها ابزار شناخت و پیشرفت فکری است، بلکه وسیله‌ای برای رشد اخلاقی، پرهیزکاری و تعالی روحی انسان محسوب می‌شود، و هدف نهایی آن هدایت انسان به سعادت دنیا و آخرت است.
- علم جدید، دانشی مبتنی بر تجربه و عقل انسان است که پس از کانت شکل گرفته و هدف آن بررسی و تحلیل عینی عالم است. این دانش، نه متکی به وحی مستقیم، بلکه بر مشاهده، تجربه و روش‌های علمی استوار است و تلاش می‌کند سطح ظهور و بروز جهان را از نظر کمی و کیفی تبیین کند.

- قرآن‌کریم عامل انگیزه‌بخش کشـف و تحقیق علمی در تمدن اسـلامی بوده اسـت؛ دانشـمندان مسـلمان با الهام از قرآن در علوم دینی و مادی گام‌های بزرگی برداشـتند و آثار آنان، پایه علوم رنسانس اروپا را نیز شکل داده است.
- قرآن خاصـتا در بخش عقیده، عقل انسـان را به مشـاهده کائنات و تأمل در آیات طبیعی فرا می‌خواند و این نگرش، زمینه‌ساز رشد علمی و فلسفی مسلمانان شد، به گونه‌ای که مطالعه آسمان و زمین و قوانین طبیعی، از وظایف عقلی انسان شمرده شده است.
- قرآن در زمینه فلکیات، قوانین نظم اجرام آسـمانی را معرفی کرده و مسـلمانان با بهره‌گیری از این آیات، ابزارهای علمی مانند اسـطرلاب، جدول‌های ریاضـی، مزوله و مراصد را توسعه دادند که بعدها در علوم مدرن تأثیرگذار شدند.
- برداشت‌های نادرست از آیات علمی قرآن، مانند نسبت دادن تمام کشفیات علمی جدید به قرآن، موجب مفاسـد فکری و اعتقادی شـده اسـت؛ قرآن کتاب هدایت و اصـلاح ارواح اسـت و هدف آن، علوم طبیعی و مادی نیسـت، بلکه انسـان و تکامل اخلاقی و عقلی او محور اصلی است.
- قرآن زمینه‌ای فراهم می‌کند تا انسـان با بهره‌گیری از توانمندی‌های عقلی و علمی خویش، به تحقیق و تجربه در علوم مادی بپردازد، اما چارچوب آن همیشـه محدود به رشـد انسـان و هدایت اوسـت و اعجاز قرآن بر محور علوم طبیعی به معنای محتوای علمی مستقیم نیست.
- آیات قرآن درباره جنین‌شـناسـی، مراحل خلقت انسـان از نطفه تا دمیدن روح، هم از نظر شـکل خارجی و هم تکوین داخلی، با کشـفیات علمی جدید مطابقت دارند و نشـان می‌دهند که قرآن مسیر رشد انسان را به دقت بیان کرده است.
- قرآن به مسـائل طبی و تغذیه مانند مصـرف خرما در هنگام ولادت اشـاره کرده که فواید علمی آن از نظر انرژی، ویتامین و تسـهیل زایمان، توسـط علم امروز تأیید شـده و نشـان از هدایت عملی قرآن به زندگی بشر دارد.

- قرآن اشاره به اثر انگشت و ویژگی‌های منحصر به فرد هر انسان دارد؛ این موضوع که در علوم مدرن به عنوان شناسه فردی استفاده می‌شود، نمونه‌ای از دقت علمی قرآن در توجه به جزئیات انسان است و قدرت الهی در آفرینش انسان را نشان می‌دهد.
- قرآن در آیات مربوط به آغاز آفرینش و ماده اصلی عالم، مفهومی پیشرفته از فشردگی اولیه و توسعه ماده ارائه می‌دهد؛ علم جدید نیز از طریق فیزیک و جهان شناسی، توسعه و گسترش ماده و عناصر اولیه آن را تأیید کرده و با این آیات همخوانی دارد.
- عنصر اولیه آفرینش که قرآن آن را «دخان» معرفی می‌کند، هم‌راستا با یافته‌های علمی نوین درباره ماده اولیه و گازهای متراکم است و نشان می‌دهد که قرآن در اصول بنیادین جهان‌شناسی، پیام‌هایی هماهنگ با علم مدرن دارد.

مناقشه

مناقشه در تعریف، اقسام و احکام علم

در میان دانشمندان اسلامی، چالش مفیدی در تعریف ماهیت علم ممدوح در قرآن و تقسیمات فقهی آن وجود دارد.

علم کلامی و هدایتی در برابر علم تجربی: مفسران قدیم و سلفی (مانند ابن کثیر در تفسیر القرآن العظیم) اصالت علم در قرآن را متوجه «علم شرعی، معرفت به صفات الهی و احکام دین» می‌دانند که خشیت‌آور است. در مقابل، نوگرایانی چون طنطاوی جوهری در تفسیری انقلابی (جواهر التفسیر) استدلال می کنند که آیات کونی (طبیعی) قرآن بسیار بیشتر از آیات احکام است؛ پس مأموریت اصلی امت اسلامی، تسخیر علوم طبیعی است. نظر بنده این است که مفهوم "علم" از نظر قرآن شامل تمام معارفی است که حقایق اشیاء را آشکار ساخته و پرده جهل و شک را از عقل انسان بزداید. موضوع آن را هستی و طبیعت، انسان و وجود و غیب تشکیل می دهد.

احکام فقهی علم (واجب عینی یا کفایی): امام فخر رازی در التفسیر الکبیر علم را به دو بخش تقسیم می کند. رساله‌های فقهی معاصر با تکیه بر آراء اصولیین، معتقدند اگرچه فراگیری عقاید و احکام ضروری، واجب عینی است، اما تسلط بر علوم تجربی جدید (مانند فیزیک، طب و ستاره شناسی) به دلیل نیاز جامعه اسلامی به استقلال اقتصادی و نظامی، در مرتبه واجب کفایی قرار می گیرد و غفلت از آن گناه امت است.

مناقشه در روش‌های پیشکش کردن و بیان حقایق علمی

قرآن کریم برای ارائه‌ی حقایق، از اسالیب بیانی خاصی همچون تمثیل، پرسش‌های توبیخی و سوگند به مظاهر خلقت بهره برده است.

رویکرد بیانی (ابن عاشور) در برابر رویکرد تطبیقی: شیخ محمد طاهر بن عاشور در التحریر والتنویر معتقد است که قرآن به زبان فصیح عرب و متناسب با ادراک مخاطبان

نخستین نازل شده است؛ بنابراین، نباید در استخراج اصطلاحات علمی پیچیده از کلمات قرآنی زیاده‌روی کرد.

نظر بنده دراین زمینه این است که متون بلاغی نشان می‌دهد که روش قرآن، بیان کنایی و اشارت‌گونه است. پدیده‌های علمی به عنوان «دلایل آفاقی» برای اثبات توحید و ربوبیت پیشکش می‌شوند و نباید اسلوب هدایتی آن را فدای زبان صلب فرمول‌های تجربی کرد.

مناقشه در ابزارهای کسب علم در قرآن کریم

قرآن ابزارهای حسی و عقلی (سمع، بصر و افئده) را مجرای اصلی شناخت معرفی می‌کند.

در تفاسیر اصلاحی (مانند تفسیر المنار رشید رضا)، بر حجیت ابزارهای حسی (سمع و بصر) به عنوان پایه‌های میتودولوژی تجربی و استقرای علمی تاکید یه‌خصوصی می‌شود تا جامعه اسلامی را از خمودگی فکری نجات دهد. اما تفاسیر سنتی‌تر تذکر می‌دهند که از دیدگاه اهل سنت، «سمع» (وحی و نقل صحیح) بر عقل و حس تقدم شرفی دارد؛ چرا که عقل و حس بدون روشنایی وحی، در درک غیب و حقایق نهایی ناتوان هستند.

به نظر بنده ابزارهای حسی برای کشف قوانین طبیعت هستند، اما قوام و جهت‌دهی آن‌ها به وسیله قلب (افئده) و انقیاد در برابر وحی صورت می‌گیرد.

جایگاه علم در نظام معرفتی قرآن

این بحث بر سر این است که آیا علم ارزش ذاتی دارد یا ارزش غایی؟

علم در خدمت عبودیت: امام قرطبی در الجامع لاحکام القرآن با استناد به آیه «إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ» تبیین می‌کند که در نظام معرفتی قرآن، علمی که انسان را به خضوع و طاعت در برابر خالق نرساند، جهل مرکب و بی‌ارزش است.

به نظر بنده با استناد از رساله‌های معاصر دانشگاه الازهر که در مناقشه با معرفت‌شناسی غربی بیان می‌دارند که نظام قرآنی، علم را از اخلاق و بندگی تفکیک نمی‌کند؛ برخلاف علم سکولار که به دنبال قدرت و سلطه بدون در نظر گرفتن خالق است.

مناقشه محوری: علم جدید و اعجاز علمی (الاعجاز العلمی)

این بخش، میدان اصلی مناظره فکری میان دانشمندان و مفسران مدرن اهل سنت است که به دو جبهه متمایز تقسیم شده‌اند:

مکتب موافقان (مکتب اعجاز علمی): دانشمندانی چون دکتور زغلول النجار و برخی مراکز معاصر در جهان اسلام معتقدند که انطباق آیات با کشفیات جدید (مانند مراحل جنین‌شناسی بر اساس سوره مؤمنون یا بسط کائنات در سوره ذاریات) بزرگ‌ترین ابزار تحدی اسلام در عصر حاضر است.

مکتب مخالفان (مکتب اصالت هدایت): در مقابل، استدلال محکم امام شاطبی در کتاب الموافقات مبنا قرار می‌گیرد؛ او معتقد بود قرآن برای عرب زمانه نازل شده و نباید علوم یونان یا علوم جدید را به زور بر آن تحمیل کرد. در دوره معاصر نیز شیخ محمود شلتوت (شیخ اسبق الازهر) این کار را تکلف و تعریض قرآن در معرض تزلزل نظریات علمی می‌دانست.

دیدگاه فیصله‌دهنده: بنده اثبا ت کردم که مفسران میانه‌رو معتقدند که اگر کشف علمی به مرحله «حقیقت قطعی و اثبات‌شده» (نه فرضیه متغیر) رسیده باشد، استفاده از آن برای تبیین اشارات کونی قرآن بدون تحمیل لفظی، جایز و مایه تقویت ایمان است.

نتیجه گیری

بررسی "جایگاه علم در قرآن‌کریم" نشان می‌دهد که علم نه صرفاً جمع‌آوری اطلاعات، بلکه ابزاری برای رشد انسانی، هدایت و تعالی جامعه است. قرآن علم را به عنوان مسیر فهم آیات الهی و کشف واقعیت‌های جهان معرفی کرده و انسان را به تفکر، تدبر و جستجوی حقیقت فراخوانده است.

نقش علم در رشد انسان چند بعدی است:

- رشد فردی، شامل رشد عقلانی، اخلاقی و معنوی؛
- رشد اجتماعی، که عدالت و همبستگی را تضمین می‌کند؛
- رشد سیاسی و نظامی، برای مدیریت صحیح قدرت و امنیت جامعه؛
- رشد اقتصادی، با کاربرد دانش در صنعت، کشاورزی و تجارت.

تحلیل ارتباط علم و هدایت الهی نشان می‌دهد که علم موجب تقویت ایمان و درک بهتر معارف قرآن می‌شود و جهل، به عنوان مانع اصلی رشد، نقد و بررسی شده است. با توجه به علم جدید، قرآن الهام‌بخش محققان و دانشمندان بوده و آنها را به کشف حقایق طبیعی و علمی ترغیب کرده است. تفسیر صحیح آیات علمی قرآن باید محدود به هدایت انسان و رشد عقلانی او باشد و تطبیق مستقیم تمامی کشفیات علمی با قرآن، برداشت نادرست تلقی می‌شود.

نمونه‌های علمی قرآن، از جمله مراحل جنین، فواید مواد غذایی، اثر انگشت و آغاز آفرینش، نشان می‌دهد که قرآن با واقعیت‌های جهان هماهنگ است و می‌تواند علم تجربی را با ارزش‌های اخلاقی و معنوی پیوند دهد. در نهایت، قرآن و علم جدید دو بال مکمل یکدیگرند: قرآن جهت‌دهنده ارزش‌ها و اهداف انسانی و علم ابزار شناخت و پیشرفت بشری. انسانی که با علم و خرد به هدایت قرآن عمل کند، می‌تواند به رشد متوازن فردی، اجتماعی و تمدنی دست یابد و از جهل و ناآگاهی رهایی یابد.

پیشنهادات

- محققان و نویسندگان باید تحقیقات خود را به شکل میان‌رشته‌ای و تطبیقی طراحی کنند. این به معنای آن است که آموزه‌های قرآن درباره علم، رشد انسانی و هدایت با یافته‌های علمی نوین (فیزیک، بیولوژی، طبی، اقتصاد، علوم اجتماعی و علوم سیاسی) هم‌راستا شود.
- مؤسسات آموزشی و نهادهای دینی می‌توانند دوره‌ها و بسته‌های آموزشی طراحی کنند که به آشنایی عمیق با جایگاه علم در قرآن و کاربرد آن در رشد انسان می‌پردازد. این منابع باید به گونه‌ای باشد که هم جنبه نظری و علمی و هم کاربرد عملی در زندگی روزمره را پوشش دهد.
- با توجه به تأکید قرآن بر علم و نقد جهل، رسانه‌ها، مراکز آموزشی و نهادهای دینی باید به تقویت آگاهی عمومی نسبت به اهمیت علم و پیامدهای جهل توجه کنند. این آگاهی باید شامل ارتباط علم با ایمان، هدایت و رشد اجتماعی باشد.
- تشویق به تحقیقات انگیزشی و خلاقیت علمی
- قرآن می‌تواند به عنوان منبع الهام‌بخش برای تحقیق و نوآوری علمی عمل کند. این موضوع به ویژه در زمینه‌هایی مانند کشف علمی، تکنولوژی، طبی و بیولوژی کاربرد دارد. محققان باید پروژه های تحقیقاتی خود را با الهام از آیات علمی قرآن و اصول هدایت و رشد انسان طراحی کنند.
- نویسندگان و محققان باید به تولید منابع علمی معتبر و تفسیرهای مستند از آیات علمی قرآن بپردازند. این منابع باید شامل نقد تفسیرهای نادرست و ارائه تحلیل‌های دقیق و مستدل باشد
- تألیف کتاب‌ها، مقالات و مونوگراف‌ها با تمرکز بر جایگاه علم در قرآن.

– ایجاد تعامل میان پوهنتونها، مراکز تحقیقاتی و نهادهای دینی، می‌تواند زمینه رشد علمی و معنوی همزمان جامعه را فراهم کند. این همکاری می‌تواند شامل برگزاری سمینارها، کنفرانسها و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک باشد.

– موضوع «جایگاه علم در قرآن» می‌تواند هم به عنوان محور تحقیقی عمیق و هم راهنمای عملی برای تربیت انسان‌های آگاه و مسئول عمل کند. توجه به جنبه‌های تطبیقی، آموزشی، رسانه‌ای و تحقیقی، می‌تواند نقش قرآن در رشد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را پررنگ کند.

– این پیشنهادها یک نقشه راه جامع برای نویسندگان، پژوهشگران، نهادهای آموزشی و مؤسسات دینی است تا علم و هدایت الهی را همزمان در جامعه توسعه دهند.

منابع و مآخذ:

١. قرآن کریم

٢. ابن عاشور، محمد الطاهر.(۱۴۰۴ه). *التحریر و التنویر*. ج ۴، ۲۱. اول. تونس: الدار التونسیه

٣. ابن کثیر،اسماعیل. (۱۴۱۹ه، ق). *تفسیر القران العظیم*. ج ۱. بیروت: دارطیبه.

٤. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ه). *لسان العرب*. ج ۱۲. سوم. بیروت: دارالصادر

٥. استادان دیپارتمنت ثقافت اسلامی-پوهنتون بلخ. (۱۳۹۸ه، ش). *قرآن و تکنالوژی معاصر*. اول. مزارشریف: انتشارات آریانا

٦. الاصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ه، ق). *المفردات فی غریب القرآن*. ج ۱. اول. بیروت: دارالقلم

٧. اکبری، زین العابدین.(۲۰۱۰ م). *اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت انسان*. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

٨. امانی، گلابشاه. (۲۰۲۱م). *تأمل انتقادی بر مفهوم علم مدرن*. کابل: فصلنامه علمی-پژوهشی لِرنا.

٩. البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۱ه). *صحیح البخاری*. ج ۱. بیروت: دار طوق النجاه.

١٠. البغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ه). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن= تفسیر البغوی*. محقق: عبدالرزاق، المهدی. ج ۲. اول. بیروت: دار إحیاء التراث.

١١. البغدادی،احمد الخطیب.(۱۴۲۲ه). *تاریخ البغداد*. ج ۹. القاهره: المکتبه الخانجی.

١٢. بنعدی، محمد. (۱۴۴۷ه، ق). *العلوم و المعارف و اسلوب عرضها فی القرآن الکریم*. [نسخه الکترونیکی]

١٣. تهانوی، محمد اشرف علی،(۱۴۱۱ه؛ق) *الانتباهات المفیده فی حل الاشتباهات الجدیده*. مترجم: نورالبشر محمد نور الحق. اول. مکتبه جامعه دارالعلوم کراتشی.

١٤. الجرجانی، علی بن محمد. (۱۴۱۳ه ق) *التعریفات*. چهارم. لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیهٔ

١٥. احمد الخطیب، البغدادی.(۱۴۲۲ه). *تاریخ البغداد.* ج۹. القاهره: المکتبه الخانجی.

١٦. الرازی ، محمد بن عمر. (۱۴۰۱ه) *مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر.* ج۷، ۲۹. اول. بیروت: دارالفقاهه

١٧. راه راستین، عبدالله. *چکیده ای از اعجاز علمی قرآن و سنت.* [نسخه الکترونیکی]

١٨. الزرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۴۱۶ه ، ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن.* ج۱. بیروت: دراالکتب العربی.

١٩. السعدی، عبدالرحمن بن ناصر. (۱۴۲۰ه). *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان.* ج۲. اول. مؤسسهٔ الرسالهٔ

٢٠. السیوطی، محمد. (۱۴۴۷ ه، ق). *الاتقان فی علوم القرآن.* مدینه المنوره: مجمع الملک فهد.

٢١. الطبرانی، سلیمان.(۱۴۱۵ه). *المعجم الاوسط.*ج۴. القاهره: دارالحرمین.

٢٢. الطبری، محمد بن جریر.(۱۴۱۳ه). *جامع البیان فی تأویل القرآن.* المحقق: د عبدالله. ج۵، اول. القاهرهٔ: دار هجر.

٢٣. الطنطاوی، محمد سید.(۱۴۱۷م) *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم.* ج ۱، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۴، . اول. القاهرهٔ: دار نهضهٔ.

٢٤. عبدالکریم، بلیل.(۱۴۳۱ ه ق) *العلم فی القرآن الکریم.* اول. واشنطن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

٢٥. فیض، خلیل الله.(۲۰۱۱ م) *قرآن و ساینس جدید از خلقت تا عدم کائنات.* کابل: بنگاه نشراتی خاور

٢٦. القرضاوی، یوسف. (۱۴۱۶ه). *العقل و العلم فی القرآن الکریم.* اول. القاهرهٔ: مکتبهٔ وهبهٔ.

۲۷. القرطبی، محمد. (۱۳۸۴ه). *الجامع لأحکام القرآن = تفسیر القرطبی*. تحقیق: احمد بردونی و إبراهیم اطفیش. ج۲–۸. دوم. القاهرة: دارالکتب المصریة.

۲۸. القطان، مناع. (۱۴۲۱ه، ق). *مباحث فی علوم القرآن*. القاهره: مکتبه وهبه.

۲۹. قطب، سید. (۱۳۸۷). *فی ظلال القرآن*. مترجم: مصطفی، خرمدل. ج۲، ۴ و ۶، دوم، تهران: انتشارات احسان.

۳۰. القیسی، محمد طه. (۱۴۲۹ه، ق). *العلم و العلماء فی القرآن الکریم*. ریاض: مرکز البحث و الدراسات الاسلامیه.

۳۱. لهیبی، منی سلیم رزیق. (۲۰۲۴م) *العلم فی القرآن الکریم*. بغداد: المجلات العلمیه الاکادمیه

۳۲. مخلص، عبدالرئوف. (۱۳۹۴ه. ش). *تجلی قرآن در عصر علم*. [نسخه الکترونیکی.]

۳۳. یوسفی، مراد. (۱۳۹۵ ه، ش). *قرآن و علم تضاد یا تطابق*. [نسخه الکترونیکی.]